

تجلی حضرت زینب علیها السلام

در شعر عاشورایی

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱

تاریخ تأیید: ۹۲/۲/۲

کامران شرفشاهی*

۸۷

کتاب نقد / سال پانزدهم / شماره ۶۸-۶۷ / تابستان و پاییز ۱۳۹۲

چکیده

حضرت زینب کبری علیها السلام ملقب به عقبه بنی هاشم، بزرگ بانوی اسلام، آینه زلال فضایل و کرامات و پرچمدار ابلاغ پیام سرخ نهضت جاودان عاشوراست. اگرچه تاکنون درباره شخصیت و مقام الهی آن بانوی بزرگوار کتاب‌ها و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده؛ ولی در بیان جلوه‌ای از شخصیت آسمانی آن حضرت که همانا تجلی ایشان در آینه زلال شعر و ادب است، آنچنان‌که شایسته پرداختن به این مهم باشد، تلاش چشمگیری صورت نپذیرفته و گفتنی‌ها در این زمینه فراوان است. با مروری بر تاریخ اسلام این نکته به عینه آشکار می‌شود که آن بانو از فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین مردمان روزگار خویش بوده‌اند و خطبه‌ها و اشعاری

* کارشناس رشته ارتباطات، نشان درجه ۲ هنری، رشته ادبیات (kamranSharafshahi@yahoo.com).

که به آن بانوی گرامی منسوب است و همچنین توجه ایشان به شعر، بیانگر احاطه و اشراف تحسین بر انگیزشان بر زبان و ادبیات عصر خویش است. حضور مقدس این بانوی عظیم‌الشأن در مدایح و مراثی شاعران عرب، ایرانی و شاعران دیگر ملل جهان، بیانگر جلوه‌ای دیگر از عظمت و تأثیر غیرقابل انکار حضرت زینب در قلمرو پهناور ادبیات است که با گذشت زمان، نه تنها این ارادت شورانگیز نقصان نیافته است، بلکه روز به روز بر دامنه بیکران آن افزوده شده و می‌شود. بخش قابل ملاحظه‌ای از اشعاری که درباره حضرت زینب علیها السلام سروده شده، در هنر تعزیه که نمایش منظوم است و در جهان به درام یا تراژدی شیعی اشتهار دارد، تبلور یافته که دارای مجالس متعدد می‌باشد.

واژگان کلیدی: حضرت زینب علیها السلام، عاشورا، شعر، تعزیه.

مقدمه

واقعه سرخ قیام جاودان حضرت سیدالشهدا علیه السلام که در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا به وقوع پیوست، آغاز رسالتی سنگین و بسیار دشوار بود که هرکسی یارای تحمل و به انجام رساندن آن را نداشت، مگر بانوی بزرگ اسلام، عقیده بنی‌هاشم، حضرت زینب کبری علیها السلام. در شأن و فضیلت این بانوی آگاه، شجاع و پرهیزگار سخن بسیار گفته شده است، چنان‌که از هنگام ولادت باسعادت آن حضرت تا رحلت، وی را مورد تحسین قرار داده‌اند و از جرئت، خرد، ادب، ایثار و ایستادگی بی‌نظیر این بانوی ستم‌ستیز و تاریخ‌ساز به شگفتی یاد کرده‌اند.

شداید، مرارت‌ها، مصایب و محنت‌هایی که آن بانوی عظیم‌الشأن متحمل شد، به راستی از تاب و تحمل هر انسانی خارج است و اگر به آن حضرت لقب «ام‌المصایب» داده‌اند، به تحقیق چنین است و زبان از شرح و بیان حماسه پایداری و حق‌جویی ایشان قاصر و الکن است.

حضرت زینب علیها السلام دارای موقعیت و جایگاه رفیع و ممتازی می‌باشد. او نوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرزند فاطمه زهرا علیها السلام و علی مرتضی علیه السلام، خواهر فداکار امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، عمه گرامی و پرستار امام سجاد علیه السلام، مادر دو شهید و... است.

حضور حضرت زینب علیها السلام در چنین خانواده برجسته‌ای فقط به پیوندهای خویشاوندی محدود و منحصر نبود. پدرش او را زینب به معنای «زینت پدر» نام نهاده بود و زینت پدری چون علی بن ابیطالب علیه السلام بودن، مفهوم ساده‌ای نبود و مسئولیت فراوانی را به همراه داشت که زینب علیها السلام این مهم را با تمام وجود دریافته بود.

ایشان مفهوم کامل «شیعه‌بودن» را می‌دانست؛ از این رو، در تمام عمر گرانبهای خویش با احساس مسئولیت به معنای عمیق کلمه، لحظه‌ای از انجام وظیفه بزرگی که بر عهده داشت، کوتاهی نکرد و با دل و جان به یاری چهار امام زمان خود برخاست و حتی ازدواج او با عبدالله بن جعفر و دیگر موانع و محدودیت‌های زمانه، نتوانست عزم و اراده راسخ و آهنین او را در این راه سست کند.

عقیله بنی‌هاشم، تربیت‌یافته مکتبی است که خوفی از جانبازی و شتافتن به سوی مصایب و مخاطرات ندارد و عظمت هر مکتبی را می‌توان از اسوه‌ها و انسان‌های تربیت‌یافته در آن شناسایی کرد. به این اعتبار، زینب علیها السلام میوه شجره

طیبه‌ای است که همانندی ندارد؛ آنچنان که شخصیت او نه تنها به عنوان الگویی جامع و پیشرو برای زنان، بلکه برای مردان و نه فقط برای مسلمانان، بلکه برای همه آزادگان جهان در تمامی ادوار تاریخ مطرح و ماندگار است.

کربلا، کوفه، شام و مدینه، هریک دربردارنده جلوه‌ای از عظمت عالمه آل محمد ﷺ هستند و آن حضرت در همه صحنه‌ها آن اندازه بزرگ و شکوهمند ظاهر شده است که هر شاهد و ناظری را به ستودن و تکریم وامی‌دارد؛ چنان که حضرت زین‌العابدین علیه السلام، امام علی‌بن‌حسین علیه السلام در ستایش شخصیت عمه بزرگوار خویش چنین فرموده‌اند: «أنت بحمدالله عالمة غیر معلّمة و فهمة غیر مفهّمة: شما به حمد خدای عالمه استاندنیده و دانایی مکتب ندیده‌ای» (به‌داروند، ۱۳۷۴، ص ۷).

۱. تجلی حضرت زینب علیها السلام در آینه شعر

نگاه ادبیات به اشخاص و وقایع تاریخی، نگاهی دیگرگون است. عالم ادبیات، عالم دیگری است که هر شخص و واقعه‌ای را به آن راه نیست و این نکته یکی از عجایی است که نشان می‌دهد ادبیات، ریشه در عالم دیگری دارد و حضور و ماندگاری در این عالم، رمز و راز و شیوه و آیین خاصی می‌طلبد.

به گواه تاریخ، تاکنون اشخاص و رویدادهای بزرگی در طی دوران حیات بشر به وقوع پیوسته است؛ ولی بسیاری از این اشخاص و رویدادها نتوانسته‌اند به قلمرو ادبیات راه یابند و یا اگر راهی به این دیار یافته‌اند، عمری طولانی نیافته، با گذشت زمان تدریجاً به فراموشی سپرده شده‌اند و در آثار سخنوران قرون و اعصار بعد، نام و یادی از آنان دیده نمی‌شود.

تقیح و توهین، بی‌اعتنایی و سکوت و یا تکریم و تعظیم، هریک جلوه‌هایی

از قضاوت ادبیات درباره اشخاص و رویدادهاست که به مرور زمان قطعیت می‌یابد. فرانسویس بیکن معتقد است: «حیات حقیقی هر شخصی صد سال پس از مرگ او، تازه آغاز خواهد شد و موضوع حیات حقیقی در ادبیات مفهومی بدون تعارف و رودربایستی است».

قافله‌ای که از مکه به سمت کوفه در حرکت بود و امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام، خانواده و اصحاب ایشان در آن حضور داشتند، از همان آغاز راه به قلمرو ادبیات راه یافتند و این قافله در هر منزل، حکایتی داشت که با ادبیات بیگانه نبود. در این سفر پُرماجرا که به کربلا و واقعه عاشورا انجامید و از آنجا به کوفه، شام و مدینه امتداد یافت، بارها پای شعر نه تنها به میان، بلکه به میدان آمد که این حضور شگفت در روایات متعدد و متواتر ثبت و ضبط شده است.

در جریان سفر کاروان سیدالشهدا علیه السلام به سمت کوفه، هنگامی که کاروان در منزل «شقوق» توقف کرد، امام حسین علیه السلام با فرزدق - شاعر نامدار عرب - روبه‌رو شد، در این ملاقات امام حسین علیه السلام از شاعر درباره حال و روز مردم کوفه می‌پرسد و فرزدق در بیانی موجز و شاعرانه چنین پاسخ می‌گوید: «دل‌های ایشان با تو است و شمشیرهای ایشان با بنی‌امیه» (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ص ۸۷۴).

حضور شاعر بزرگی چون فرزدق در ابتدای این سفر و پاسخ واقع‌بینانه او به حضرت سیدالشهدا علیه السلام بسیار قابل تأمل است.

در جریان این سفر سرخ، روایات دیگری نیز نقل شده است که با ادبیات بی‌ارتباط نیست؛ از جمله شیخ مفید از حضرت امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند:

در شبی که پدر بزرگوارم فردای آن شهید شد، در خیمه نشسته بودم و عمه‌ام زینب علیها السلام به پرستاری من مشغول بود. پدرم به خیمه خود رفته و این

اشعار را زمزمه می فرمود:

یا دهر أف لک من خلیل
کم لک بالاشراق والأصیل
من صاحب أو طالب قتیل
والدهر لا یقنع بالبدیل
و أنما الأمر الی الجلیل
و کل حی سالک سیلی

یعنی: وای بر تو و تفو بر تو ای روزگار در هر بامداد و شبانگاهی! بسیاری از یاران و دوستان را نابود می سازی و به عوض هم اکتفا نمی کنی. آری! سررشته همه در دست خداست و هر موجودی به راهی خواهد رفت که من می روم.

آن حضرت همین مضامین را دو یا سه بار مکرر فرمود. من از شنیدن این مضامین به هدف آن حضرت توجه کردم و گریه گلوی مرا گرفت؛ لیکن خودداری کرده و آرام گرفتم و دانستم که بلا نازل شده؛ اما عمه ام زینب علیها السلام به مجرد اینکه مضامین این اشعار را استماع فرمود و بر اثر رقت قلبی نتوانست خودداری فرماید، آنچنان که پای برهنه و دامن کشان از خیمه خارج شد و به جانب آن حضرت روان گردید ... (مفید، ۱۳۸۵، ص ۴۴۴).

روز شگفت انگیز عاشورا، روز فقط چکاچک شمشیرها نبود. به گواه کتاب های مقتل در کنار آن نبرد نابرابر خونین، نبردی نیز در جبهه فرهنگی در جریان بود و سلاح این میدان، سخنوری و بلاغت بود.

خطبه های شورانگیز حضرت سیدالشهدا علیه السلام که سرشار از فصاحت و بلاغت بود و «ارجوزه ها» که شعرهای حماسی رزم آوران آن میدان است، بیانگر پیوند اعجاب انگیز شعر با این نهضت بزرگ و جاودانه است که در همه حال حضرت زینب علیها السلام شاهد و ناظر این رویارویی عظیم است.

واقعه عاشورا با این رجزهای سرخ که هریک اشعاری لبریز از حماسه و

جنگاوری است، به پایان نمی‌رسد و زینب علیها السلام در ادامه این راه سرخ از کربلا تا کوفه، از کوفه تا شام و از شام تا مدینه، باز هم شاهد اشعاری است که هریک حال و هوایی خاص و تکان‌دهنده دارد.

شعر در آن روزگار نه فقط هنر محبوب اعراب، بلکه رسانه‌ای قوی و مؤثر به شمار می‌آمد و خاندان پاک وحی علیها السلام بیش از هرکس به اهمیت این موضوع آگاه بودند و می‌کوشیدند پیام خود را به زیباترین، شیواترین و رساترین شکل ممکن ابراز نمایند.

پس از واقعه کربلا، یزید و عوامل سرسپرده او تلاش بسیاری داشتند تا از شعر برای تصدیق و ترویج جنایت هولناک خویش سود جویند که این فرصت‌طلبی‌های رذیله‌ها را حضرت زینب علیها السلام پاسخگو بود؛ آنگاه که تیغ‌ها در نیام بود و آینده تاریخ را واژه‌ها می‌ساخت.

زینب علیها السلام بی‌شک از دشواری این سفر و مصایب آن آگاه بود و خود را برای پذیرفتن همه دشواری‌های ممکن در این راه آماده کرده بود.

در روایتی آمده است که در طول مسیر کاروان عاشورا از مکه به مدینه که ۲۴ روز به طول انجامید، در ششمین منزلگاه از منزلگاه‌های راه، کاروان در محلی به نام «خزیمیه» به مدت یک شبانه‌روز توقف کرد. در روایات آمده است صبحگاه به محض آنکه زینب علیها السلام از خواب بیدار می‌شود، خود را به محضر حضرت سیدالشهدا علیها السلام می‌رساند و به آن حضرت عرض می‌کند نیمه‌های شب برای انجام حاجتی از محل استراحت خود بیرون رفتم، آنگاه ندایی را شنیدم که در دل شب چنین نوحه‌سرایی می‌کرد:

أَلَا يَا عَيْنُ! فَأَحْتَفِلِي بِجَهْدٍ	وَمَنْ يَبْكِي عَلَيَّ الشَّهْدَاءُ بَعْدِي؟
عَلَى قَوْمٍ، تَسَوْفُهُمُ الْمَنَايَا	بِمَقْدَارِ أَلِي إِجْزَاؤِ وَعَدِ

یعنی: ای دیدگان من! سعی کن با اشک‌هایت ما را یاری دهی؛ زیرا پس از من کیست که بر شهدا بگرید؟ اشک بیار بر گروهی که مرگ آنان را به سوی خود فرامی‌خواند و پروردگار چنین تقدیری برای آنان خواسته و آنان به سوی میعادگاه خود روان‌اند (مجلات، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۷۷).

در این روایت که در کتاب‌های دیگری همچون بحارالانوار، نفس‌المهموم و وسیلة‌الدارین فی انصارالحسین آمده است، امام حسین علیه السلام پس از شنیدن این ماجرا آن را تصدیق فرموده و حضرت زینب علیها السلام را به شکیبایی و اطاعت الهی دعوت می‌کند که ثمری جز عزت و سربلندی اسلام ندارد. چنین روایاتی بیانگر آن است که شعر همگام کاروان عاشورا، حضوری پُررنگ و شگفت داشته است.

۲. فصاحت و بلاغت حضرت زینب علیها السلام

پس از واقعه عاشورا و آن فاجعه عظیم و جانگداز و به اسارت‌درآمدن خاندان حضرت سیدالشهدا علیه السلام، رسالت پیامبرگونه حضرت زینب علیها السلام آغاز گردید. در حالی که دشمن می‌پنداشت آن همه مصایب و جسارت‌ها شخصیت و روحیه این بانوی بزرگوار را در هم شکسته است؛ ولی به شهادت تاریخ، هر جا که آن حضرت لب به سخن گشوده‌اند، با کلام آتشین خویش قیامت‌ی به پا کرده‌اند، تا آنجا که دشمن از شرم سر به زیر افکنده و فضا را بهت و حیرت حزن‌آلودی فراگرفته است.

سرعت انتقال و حاضر جوابی، خرد و آگاهی، قدرت ربط و تجزیه و تحلیل اوضاع و شرایط، به همراه فصاحت و بلاغت آن بانوی گرامی باعث می‌شد تا

در برابر منطق و استدلال‌های آن حضرت، دشمنان چاره‌ای جز تسلیم و سکوت نداشته باشند، در حالی که دشمنان چنین تبلیغ و وانمود کرده بودند که این اسیران، گروهی خارج از دین‌اند که علیه خلیفه و حکومت اسلامی خروج کرده‌اند. حضرت زینب علیها السلام به محض مواجهه با مردم، دیوارهای دروغین دشمنان را در هم می‌شکست و با کمترین جملات و کلمات از فرصت‌های کوتاه به دست آمده، بهترین نتیجه را می‌گرفت. بیانات روشنگرانه آن حضرت به تناسب هر موقعیتی بسیار سنجیده، صریح و موجز بود و چنان بر عمق دل‌ها می‌نشست و وجدان‌ها را برمی‌انگخت که بی‌اختیار اشک از دیدگان مردم جاری می‌شد.

دکتر عایشه بنت‌الشاطی در کتاب **بانوی قهرمان کربلا** (بطلة کربلا) در این

باره چنین می‌نویسد:

کسی که گفتار زینب علیها السلام را شنیده بود، نقل می‌کند: به خدا، هرگز پرده‌نشینی را سخن‌پردازتر از او ندیده بودم. گویی که سخنانش از زبان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خارج می‌گردید. قسم به خدا، هنوز سخنش را به پایان نرسانده بود که صدای مردم به گریه بلند می‌شد و از شدت هول و هراسی که از این محنت جانسوز به آنان دست داده بود، چنان از خود بی‌خود شدند که آنچه در دست داشتند، بر زمین افتاد (بنت‌الشاطی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۶).

هنگامی که اسیران را به دارالاماره کوفه آوردند، حضرت زینب علیها السلام با آنکه ظاهرش آشفته و پریشان به نظر می‌رسید؛ ولی بدون اعتنا و بی‌اجازه عبیدالله بن زیاد بر زمین نشست. ابن‌زیاد از او پرسید که کیست؟ حضرت زینب علیها السلام پاسخ او را نداد. ابن‌زیاد پرسش خود را سه بار تکرار کرد؛ اما حضرت زینب علیها السلام باز هم پاسخی نداد تا اینکه یکی از همراهان آن حضرت گفت: این بانو زینب کبری دختر فاطمه زهرا علیها السلام است (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۵۱).

این روایت حکایت از هوشمندی ژرف حضرت زینب علیها السلام دارد که حتی با سکوت حساب شده‌اش، دشمن را تحقیر می‌کند و او را به خشم می‌آورد. در این مجلس که *ابن‌زیاد* مردم کوفه را برای قدرت‌نمایی دعوت کرده است، وقتی خود را در مقابل پاسخ‌های کوبنده و رسواکننده حضرت زینب علیها السلام ناتوان می‌بیند، برای رهایی از این وضعیت می‌گوید: «این زن به سجع و قافیه سخن می‌گوید. به جان خودم که پدرت *علی* علیه السلام هم به سجع و قافیه سخن می‌گفت و شاعر بود» (همان، ج ۱۰، ص ۱۵۰).

این نکته بیانگر اعتراف دشمنی کینه‌جو به فصاحت و بلاغت حضرت زینب علیها السلام و پدر گرامی آن حضرت، آن هم در حضور همگان است.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه آنچنان موجی ایجاد کرد که این شهر تا سال‌ها بعد، هرگز روی آرامش به خود ندید. پشیمانی و حسرت باعث شد کوفه مرکز اعتراض‌های طولانی شود؛ اعتراض‌هایی که روزگار *ابن‌زیاد* را سیاه کرد. چندی نگذشت قیام‌هایی مانند نهضت توابین و *مختار ثقفی* و... در این شهر شکل گرفت که هدف از آنها خونخواهی امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا و مخالفت با دستگاه خلافت بنی‌امیه بود و در جریان این قیام‌ها برخی از عمال امویان که دستشان به خون حضرت *سیدالشهدا* علیه السلام و یارانش آغشته شده بود - از جمله *ابن‌زیاد* - به سزای اعمال ننگین خود رسیدند.

سخن بزرگ‌بانوی عاشورا در عین زیبایی، بسیار جذاب و غافلگیرکننده است. هنگامی که *ابن‌زیاد* به قصد تحقیر و جریحه‌دار کردن قلب آن حضرت، با لحن موذیان‌ه‌ای از او می‌پرسد که رفتار خدا را با برادر و اهل بیت خود چگونه یافتی؟ آن حضرت بی‌درنگ با لحنی مطمئن و سرشار از خرسندی پاسخ

می‌گوید: «ما رأيتُ إلّا جمیلاً: ما در این واقعه جز زیبایی هیچ ندیدیم» (ابن‌نماحلی، ۱۳۶۹، ص ۷۱).

این اندیشه و کلام زیبا الهام‌بخش شاعران بسیار بوده است؛ چنان‌که سیدضیاء‌الدین شفیعی در غزلی که به ساحت مقدس آن حضرت تقدیم می‌کند، چنین سروده است:

گرچه روزی تلخ‌تر از روز عاشورا نبود آنچه ما دیدیم جز پیشامدی زیبا نبود
(شفیعی، ۱۳۷۷، ص ۲۹)

خطبه روشنگرانه و رسواگر حضرت زینب علیها السلام در کاخ سبز یزید، آن‌چنان اوضاع را دگرگون کرد که همگان از جمله خانواده یزید، به گریه و سوگواری افتادند و وی با آنکه خود اهل شعر و ادبیات بود، در برابر کلام فصیح و بلیغ حضرت، چاره‌ای جز عجز نداشت. قاسم سرویها از شاعران معاصر درباره عظمت شخصیت و نفوذ کلام حضرت زینب علیها السلام آورده است:

فاش می‌گویم که آن بانوی عظمای دلیر از بیان خویش دشمن را هراسان کرد و رفت
خطبه‌ای غرّاً بیان فرمود در کاخ یزید کاخ استبداد را از ریشه ویران کرد و رفت
(اکبرزاده، ۱۳۴۲، ص ۱۸۱)

۳. اشعار منسوب به حضرت زینب علیها السلام

با مروری بر کتاب‌های معتبر تاریخی که به شرح واقعه عاشورا و پیامدهای گسترده آن پرداخته‌اند، شاهد شعرهایی هستیم که در برهه‌های مختلف نهضت، بر زبان حضرت زینب علیها السلام جاری شده است.

اگرچه حضرت زینب علیها السلام در پاسخ/بن‌زیاد که او را سخنور، سجع‌پرداز و

شاعری همانند پدرش علی بن ابیطالب خوانده بود، هوشمندانه پاسخ داده بود: «ما للمرأة والسَّجَاعَةُ أن لی عن السَّجَاعَةِ لشغلاً، ولكن صدري نفت لما قلت: مرا به سخنوری و سجع‌پردازی چه کار. من علاوه بر این مأموریت و کار دیگری دارم که باید به انجام آن پردازم» (مفید، ۱۳۸۵، ص ۴۷۳).

اما تمامی سخن‌شناسان عرب از احاطه و اشراف او به رموز و صنایع ادبی سخن‌ها گفته‌اند و شیوه سخن‌گفتن او را مورد ستایش و تحسین قرار داده‌اند؛ از جمله بشیربن خزیم/اسدی که در آن دوران حضور داشته، شاهد سخنرانی روشنگرانه آن حضرت بوده و درباره آن حضرت گفته است. آهنگ کلام و شیوه بیان زینب علیها السلام از آهنگ کلام و شیوه بیان پدرش متأثر بوده است (صادق اردستانی، ۱۳۷۲، ص ۲۴۲).

در این مجال به اقتضای موقعیت، اشاره‌ای خواهیم داشت بر پاره‌ای از اشعاری که بر زبان حضرت زینب علیها السلام در شرایط پس از عاشورا جاری شده و در کتاب‌های مقتل ذکر گردیده است.

در روایات متعدد آمده است که چون اسیران به کوفه رسیدند و مردم برای تماشای آنان اجتماع کردند، مأموران فرومایه، سرهای شهدا را که در پیشاپیش آنها سر مبارک امام حسین علیه السلام بود، بر سر نیزه به نمایش درآوردند. در این حال که سرها را به چپ و راست می‌چرخاندند، صدای ضجه از هر سو بلند شد و هنگامی که چشم حضرت زینب علیها السلام به این صحنه افتاد و متوجه سر مبارک برادر ارجمند خود شد، منقلب گشت، پرده محمل را کنار زد و در حالی که با قطعه‌ای پارچه به سر مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام اشاره می‌کرد، این اشعار را بر زبان جاری کرد:

يا هِلاَلا، لَمَّا اسْتَمْتُ كَمالاً غَالَهُ حَسْفُهُ، فَأَبَدَا غُرُوباً

ما تَوَهَّمْتُ يَا شَفِيقُ فُوَادِي	كَانَ هَذَا مَقْدَرًا مُكْتَوِبًا
يَا أَخِي، فَاطِمَ الصَّغِيرَةَ كَلِّمْ	هَا فَقَدْ كَادَ قَلْبُهَا أَنْ يَذُوبَا
يَا أَخِي، قَلْبُكَ الشَّقِيقُ عَلَيْنَا	مَالَهُ قَدْ قَسَىٰ وَ صَارَ صَلِيبًا

یعنی: ای ماه شب من! که هنوز به حالت ماه کامل نرسیده بودی که خسوف تو را فرا گرفت و زود غروب کردی! ای پاره قلب من! گمان نمی‌کردم سرنوشت چنین باشد که این‌گونه سرت را بر بالای نیزه ببینم.

ای برادر! با فاطمه کوچکت سخن بگو؛ زیرا نزدیک است قلبش از اندوه آب شود. ای برادر! قلب تو که نسبت به ما بسیار مهربان بود، چه شده است که اکنون سخت و قسی شده است... (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۴۸).

در روایات دیگری آمده است که آن بانو در پایان خطابه خویش در بازار کوفه هنگامی که با سکوت مرگبار جمعیت و صدای هتق‌هتق گریه‌ها روبه‌رو شد، با لحن سوزناکی چنین به مرثیه‌سرایی پرداخت:

مَاذَا تَقُولُونَ، إِذْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ؟	مَاذَا صَنَعْتُمْ، وَ أَنْتُمْ آخِرُ الْأَمَمِ؟
بَاهِلٍ بَيْتِي، وَ أَوْلَادِي، وَ تَكْرَمَتِي؟	مَنْهُمْ أَسَارِي، وَ مِنْهُمْ ضَرْجُوا بَدَمِ
مَا كَانَ ذَاكَ جَزَائِي، إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ	أَنْ تَخْلُفُونِي بِسُوءٍ، فِي ذَوِي رَحِمِ
إِنِّي لَأَخْشَى عَلَيْكُمْ، أَنْ يَخْلَ بِكُمْ	مِثْلُ الْعَذَابِ الَّذِي، أَوْدَى عَلَيَّ إِرَمِ

یعنی: چه پاسخی خواهید داد بر رسول خدا آنگاه که از شما پرسد به عنوان آخرین امت با خاندان، فرزندان و عزیزان من چه کرده‌اید؟ در حالی که گروهی از آنها به اسارت درآمده و گروهی دیگر کشته و به خون خویش غلتیده‌اند؟ این پاداش من نبود که در برابر پندهای خیرخواهان‌ام، با فرزندان و خویشاوندان من چنین بدرفتاری کنید. من بیمناکم برای شما، مبدا عذابی دردناک که بر قوم «ارم»

فرو آمد، بر شما نیز تازیانه عذاب فرود آورد (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۱). این روایت همچنین در کتاب‌های دیگری مانند بحار الانوار (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۰) ذکر شده است؛ مرثیه‌ای دردآلود که هر وجدان آزاده‌ای را برمی‌انگیزد. در کتاب‌های مقتل آمده است که در مسیر حرکت کاروان اسرا به سمت شام. حضرت زینب علیها السلام اندوه و خشم خود را بارها به صورت سروده‌هایی زمزمه کرده است؛ از جمله در کتاب‌های وسیلة الدارین فی انصارالحسین (موسوی زنجانی، ۱۴۰۲، ص ۳۷۰)، مقتل اُبی‌مخنف (ابومخنف، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰) و... اگرچه کاروان اسرا در «قادسیه» توقفی نداشته؛ ولی در این منزل حضرت زینب علیها السلام چند شعر را با صدای بلند زمزمه می‌فرموده که حکایت از سوز دل و آتشفشان خشم آن حضرت از فرومایگان داشته است:

و ز ادنی حسرات بعد لوعات	ما تت رجالی، و أفنی الذهر ساداتی
إننا بناتُ رسولٍ بالهدی آت	صالو الیام علینا بعد ما علموا
کاننا بینهم بغضُ الغنیمات	یسیرونا علی الاقتاب عاریة
بأهل بیتک یا خیرالبریات	اعزز علیک رسول الله، ما صنَعوا
أیدیکم من سُلوک فی الضلالت	کفرتم برسول الله، ویلکم

یعنی: زمانه بزرگانم را از دستم گرفت و حسرت و سوز دلم را افزون کرد. مردم فرومایه‌ای که می‌دانستند ما دختران رسول هدایت هستیم، بر ما یورش آوردند و ما را همانند کالایی بر شترها حمل کردند. ای رسول خدا! بسیار بر تو سخت گذشته است هنگامی که آگاه شدی با عترت تو این‌گونه رفتار کرده‌اند. شما شأن و حرمت پیامبری را که باعث هدایتان شد، چنین کفران نمودید. وای بر شما باد (قمی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵).

در منزل «نصیبین» نیز در مسیر حرکت به شام که کاروان توقفی کوتاه داشت، هنگامی که چشم حضرت زینب علیها السلام به سر مبارک برادر ارجمندش افتاد، به آه و فغان پرداخت و در روایت است که این گونه لب به شکوه از روزگار و نامردمان می گشاید:

وَالدُّنَا أَوْحَىٰ إِلَيْهِ جَلِيلٌ؟	آتَشْهَرُونَا فِي الْبَرِيَةِ عَنَدَةَ؟
كَانَ لَمْ يَحْتَكُم فِي الزَّمَانِ رُسُولٌ	كَفَرْتُمْ بِرَبِّ الْعَرْشِ، ثُمَّ بَنِيهِ
لَكُمْ فِي لَطْفِ يَوْمِ الْمَعَادِ عَوِيلٌ	لِحَاكِمِ إِلَهِ الْعَرْشِ، يَا شَرَّ أُمَّةٍ

یعنی: ما را به زور و ستم در میان مردم می گردانید، در حالی که به پدر ما خداوند جلیل وحی نازل می کرد؟ شما به پروردگار صاحب عرش، کفر ورزیدید و گویا در طول زمان برایتان پیامبری نیامده است. ای بدترین امت! خدای حاکم عرض، شما را مجازات می کند و در آتش سوزان قیامت ناله سر خواهید داد (قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵).

از دیگر نکاتی که دریغ است ذکری از آن به میان نیاید، حضور دو فرزند حضرت زینب علیها السلام به نام های محمد و عون بن عبد الله در واقعه عاشورا و شهادت آنان در رکاب حضرت امام حسین علیه السلام و در پیش چشمان مادر گرامیشان است. در روایات آمده که محمد بن عبد الله بن جعفر هنگام حضور در میدان، با صدای رسا این اشعار را به صورت رجز می خوانده است:

نَشْكُوا إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعَدْوَانِ
 قَتَلَ قَوْمَ فِي الرَّدَى عَمِيَانِ
 قَدْ تَرَكُوا مَعَالِمَ الْقُرْآنِ
 وَ مُحْكَمَ التَّنْزِيلِ وَ التَّبْيَانِ
 وَ أَظْهَرُوا الْكُفْرَ مَعَ الطَّغْيَانِ

یعنی: ما از دست دشمنان به خدا شکایت می‌کنیم. با گروهی کارگزار می‌کنیم که کورکورانه در راه پست می‌روند. آنان دستورات قرآن و بیان آن را ترک کرده‌اند و آیات محکمه قرآن و بیان آن را از دست داده‌اند و با طغیان‌گری، کفر خود را نیز آشکار ساخته‌اند (مشکوٰۃ تبریزی، ۱۳۵۳، ص ۴۱).

محمد بن عبد الله بن جعفر پس از به هلاکت افکندن چند تن از سپاه دشمن، آن‌گونه که ابو جعفر طبری گفته است، به دست عمر بن نهشل تمیمی به شهادت رسید.

عون بن عبد الله فرزند دیگر حضرت زینب ؓ با کسب اجازه از مادر گرامی خویش و حضرت سید الشهدا ؓ قدم به میدان نبرد نهاد و در حالی که به صف دشمنان نابکار، شجاعانه حمله می‌برد، این اشعار را قرائت می‌کرد:

إن تُنکرونی، فأنا ابن جعفر	شهید صدق فی الجنان أزهَر
یطیر فیها بجناح أخضر	کفی بهذا شرفاً فی المحشر

یعنی: اگر مرا نمی‌شناسید، بدانید من فرزند جعفر طیارم که شهید صداقت و راستی شد و اکنون در بهشت نورانی به سر می‌برد. شهیدی که با دو بال سبز خویش پرواز می‌کند و برای شرف و عظمت من در روز محشر همین افتخار کافی است (موسوی زنجانی، ۱۴۰۲، ص ۲۴۱).

عون بن عبد الله در روز عاشورا به دست عبد الله بن قطنه طائی به شهادت رسید. در روایات است که چون خبر شهادت دو فرزند عبد الله بن جعفر در مدینه به او رسید، خدای را سپاس گزارد که فرزندان او در رکاب حضرت سید الشهدا ؓ به شهادت رسیده‌اند و او را روسپید ساخته‌اند (مفید، ۱۳۸۵، ص ۴۸۲).

بی‌شک تربیت چنین فرزندان شجاع، متعهد و فاضل، هنر بزرگی می‌خواهد که نشانگر جلوه‌ای دیگر از عظمت بانوی بزرگ کربلاست. فرزندان زینب ؓ در

سخت‌ترین شرایط با بیانی زیبا، فصیح و استوار به دفاع از حریم مقدس ولایت برخاستند و با شهامت شگفت خویش این نکته را به اثبات رساندند که پرورش‌یافته دامان شیرزن شجاعی به نام زینب علیها السلام اند.

۴. سیمای حضرت زینب علیها السلام در ادبیات عرب

گذشته از اوضاع خاص سیاسی و فضای اختناق عصر اموی، مسائل فرهنگی و اجتماعی آن روزگار مانع از آن بود که در اشعار به روشنی از یک زن نام برده شود. در واقع در آن دوران نگرش‌های جاهلیت هنوز پابرجا بود و اعراب هنوز از افکار پوسیده و افراطی نیاکان خود رهایی نیافته بودند؛ بنابراین نخستین اشعاری که درباره حضرت زینب علیها السلام می‌توان به آنها رجوع کرد، اشعاری است که بدون ذکر نام بدان حضرت اشاره شده است و علاوه بر آن حضرت، همسران، دختران و سایر بانوان کاروان بازمانده از واقعه کربلا را که به اسارت درآمده‌اند، شامل می‌شود:

این اشعار را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

۱. اشعاری که به عنوان مرثیه یا ابراز همدردی از سوی ارادتمندان به پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت گرامی آن حضرت و یا از سوی اهل بیت علیهم السلام سروده شده است.
 ۲. اشعار «مفاخره» با نیت نکوهش یا ابراز برتری و انتقام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله.
- سهل شهردوری روایت کرده است که در بازگشت از مکه، اوضاع کوفه را پریشان دیده و پیرمردی او را از شهادت امام حسین علیه السلام و اسارت خاندان او خبر داد و در ادامه اشعاری را برای او قرائت کرد:

مَرَرْتُ عَلَى آيَاتِ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَمْ أَرَهَا أَمْثَالَهَا يَوْمَ حَلَّتْ

یعنی: بر افراد خاندان محمد ﷺ گذشتم. تا به حال چنین وضعی را نسبت به هیچ‌کس ندیده بودم ... (سپهر، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۷).

در روایات است که چون کاروان بازماندگان واقعه کربلا به مدینه وارد شدند، ناله برداشتند:

... وَ آخِرِ جَدَّنَا، إِنَّا أُسْرْنَا وَ بَعْدَ أَلَّاسِرِ يَا جَدًّا سُبَيْنَا ...

یعنی: ای مدینه! به جد ما [پیامبر] خبر بده که ما را اسیر کردند و سپس ما را شهر به شهر چرخاندند ... (همان، ص ۱۸۰).

این اشعار حزن‌آلود اگرچه دارای بیانی کلی است؛ ولی فوراً مخاطب را به یاد حضرت زینب ؑ و رنج‌های آن بانو می‌اندازد. این قاعده در شعرهای فخریه نیز وجود دارد.

اعراب آن روزگار تمایل بسیاری به سرودن اشعار فخریه یا مفاخره داشتند که در این اشعار غالباً از اصل و نسب و افتخارات خود یاد می‌کردند. اشعار فخریه‌ای که علیه خاندان وحی سروده شده و در کتاب‌ها ذکر شده است، فراوان بوده که نشان از رذالت و فرومایگی دشمنان اهل بیت ؑ دارد و اوج کینه‌ورزی و عقده‌های فروخته‌جاهلی را به نمایش می‌گذارد.

در روایتی زیدبن‌موسی خطبه مفصلی را از حضرت فاطمه صغری (دختر امام حسین ؑ) نقل کرده که در بخشی از این خطبه آن حضرت جهت پاسخگویی به یکی از این اشعار فخریه، آن را عیناً نقل کرده است:

نحن قتلنا علیاً و بنی علی بسیوف هندیة و رماح
و سببنا نساٲهم سبی ترک و نطحنا هم فای نطاح!

یعنی: ما علی ؑ و فرزندان او را با شمشیرهای هندی و نیزه‌ها به قتل

رساندیم و زنان آنان را مثل اسیران ترک اسیر کردیم و آنان را پایمال کردیم؛ چه پایمال کردنی! (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۴۳).

یزید بن معاویه شعر را دوست می داشت و چنان که در کتاب های تاریخی آمده است، خود نیز قریحه سرودن شعر داشت و متاسفانه از این هنر به ناحق سود می جست. در کتاب های مقتل آمده است که یزید از هنگام آوردن سرهای مبارک شهدا و حضور اسرای اهل بیت علیهم السلام در شام، بسیار از شعر برای بیان مقاصد و نیات شوم خود بهره برداری کرده است. در یکی از این فرازهای تاریخی، آنچنان که سید بن طاووس و دیگران نوشته اند، حضرت زینب علیها السلام به خروش می آید و با خطبه ای کوبنده او را در چنان وضعیتی انفعالی قرار می دهد که یزید بی اختیار درباره حضرت زینب علیها السلام چنین می سراید:

یا صبیحةً تحمد من صوائج ما أهون الموت علی النوائج

یعنی: ناله و زاری از زنان ناله دار پسندیده است. مرگ چقدر بر زنان نوحه کننده سهل و آسان است (همان، ص ۱۷۹).

از دیگر پیشگامان این طریق، جای آن دارد که به شیرزنان سخنوری مانند دختران عقیل بن ابیطالب اشاره کرد. سید محسن امین در **أعیان الشیعه** نقل کرده است: چون خبر شهادت امام حسین علیه السلام به مدینه رسید، ام قلمان دختر عقیل با خواهرانش ام هانی، اسماء، رمله و زینب از منزل خارج شدند و بر شهیدان طف می گریستند و چنین می گفتند:

ماذا تقولون ان قال النبی بکم ماذا فعلتم و انتم آخر الامم

بعترتی و بأهلی بعد مفتقدی منهم اساری و منهم ضرجوا بدم

یعنی: ای امت آخر زمان! در جواب پیامبر، اگر بپرسد چه خواهید

گفت؟ اگر بپرسد که با عترت من چه رفتاری داشتید و چرا پس از من آنها را اسیر کردید و به خون غلتانیدید، چه خواهید گفت؟ (الامین، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۷۲).

و اما از شاعران متعهد شیعه که آشکارا از حضرت زینب[ؓ] در شعر خویش نام برده‌اند، می‌توان به *دعبل خزاعی* که در عصر امام صادق[ؓ]، امام کاظم[ؓ]، امام رضا[ؓ] و امام جواد[ؓ] می‌زیست، اشاره کرد. او در فرازی از قصیده دایه چنین سروده است:

كيف القرار؟! و في السبایا زینبُ
تدعوا بفرط حرارة: يا أحمد

یعنی: چگونه آرام و قرار بگیرم، آنگاه که زینب[ؓ] در میان اسیران بود و از سوز تشنگی فریاد می‌کشید و می‌گفت: ای جد بزرگوارم! ای احمد! ... (شبر، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۰۶).

علی بن اسحاق بن خلف قطان بغدادی مکنی به ابوالقاسم مشهور به «زاهی» (متوفی به سال ۳۵۲ق) از دیگر شاعران شیعی پیشرو است که در فرازی از یکی از قصایدش به حضرت زینب[ؓ] اشاره مستقیم دارد:

كأني بزینب حول الحسين[ؓ] و منها الذوائب قد نُشرت

یعنی: انگار زینب[ؓ] را می‌بینم در کنار حسین[ؓ] در حالی که گیسوانش پریشان است (امینی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۴۳).

ابوالحسن علی بن حماد بن عبیدالله بن حماد عبّاسی بصری معروف به ابن حماد از شاعران شیعه قرن چهارم است. وی در مرثیه‌ای مکرر از حضرت زینب[ؓ] نام برده است:

... فنادت بطول الویل زینب أخته و قد صبغت من نحره الجیب والرّدا ...

یعنی: ... فریاد خواهرش زینب[ؓ] بلند شد. وای بر من! دست و گریبانش را از خون او سرخ کرد (همان، ج ۲، ص ۱۵۷).

موفق بن احمد بن ابی سعید اسحاق بن مؤید مکی ملقب به «خطیب خوارزمی» و «اخطب خوارزمی» از شاعران و مقتل نگاران اواخر عصر عباسیان بوده است. وی در یکی از سروده‌های خویش درباره واقعه کربلا چنین سروده است:

... و لولا زینب رضی الله عنها قتلوا علیاً
صغیراً قتل بق أو دُبابٍ ...

یعنی: اگر کلام حضرت زینب رضی الله عنها نبود، علی (امام سجاد رضی الله عنه) را هم به قتل می‌رساندند (شُبْر، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۸۵).

ابوالحسن علاءالدین شیخ علی بن حسین حلی معروف به «ابن شَهْفیه» معاصر شهید اول محمد بن مکی (متوفای سال ۷۳۰ق) در فرازی از یکی از مراثی خود چنین سروده است:

... تالله لا أنساک زینب والعداً
قسراً تجاذب عنک فضل رداک ...

یعنی: قسم به پروردگار، ای زینب! از یاد نمی‌برم تو را آنگاه که خصم گوشه‌جامه تو را به سمت خویش می‌کشیدند ... (امینی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۵۳۳).

حسن آل ابی عبدالکریم مشهور به شیخ حسن مخزومی از شاعران قرن هشتم هجری قمری است که دارای اشعار فراوانی در مدح اهل بیت رضی الله عنهم می‌باشد. وی در بخشی از یکی از سروده‌های خویش چنین به ارائه تصویری از روز واقعه پرداخته است:

... و وافت إلیه زینب و هی حاسر
و دمتها فوق الخدود یسلُ ...

یعنی: وقتی زینب رضی الله عنها به کنار اسب رسید، در حالی که آشفته بود، اشکش بر چهره‌اش روان بود ... (شُبْر، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۲۴).

حافظ شیخ رضی الدین رجب برسی حلی از سخنوران قرن نهم هجری در فرازی از مرثیه عاشورایی‌اش به ماتم حضرت زینب رضی الله عنها در روز واقعه می‌پردازد:

و زینب حسری تندب‌الندب عندها
من الحزن أوصاب یضیق بها العدا...

یعنی: و زینب ماتم زده ناله سر می دهد و از فرط غم و غصه آنچنان حال ضعف دارد که قابل توصیف نیست (امینی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۷۵).

صالح بن عبدالوهاب مشهور به «ابن العرندس» (متوفای سال ۸۴۰ق) از سخنوران شیعه‌ای است که در اشعار خود بسیار به مصایب اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. او در فرازی از یکی از سوگنامه‌های خویش چنین می‌سراید:

... و أسال قتل الطفّ مدمع زینب فجرى و وسط الخدّ منها خدّاً

یعنی: کشته‌های صحرای طف (کربلا)، اشک زینب علیها السلام را جاری کرد تا از گونه‌هایش فروغلتند (شُبّیر، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۸۹).

مغامس بن داغر حلی از شعرای قرن نهم هجری قمری است که بیش از ۱۳۰۰ بیت از او به یادگار مانده است. او در سروده‌ای سرشار از اندوه، چنین از حضرت زینب علیها السلام یاد می‌کند:

... ما أنس ان أنس الزکيه زینباً تبكى له و قناعها مسلوبٌ ...

یعنی: هر آنچه را از یاد ببرم، زینب علیها السلام پاک را نمی‌توانم فراموش کنم، در حالی که اشک می‌بارید و مقنعه‌اش را ربوده بودند ... (امینی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۴۰).

شیخ یوسف بن حمد بن براهیم بحرانی مشهور به صاحب حدائق از علما و مفاخر شیعه است که در سال ۱۱۸۶ در کربلا وفات یافت و در رواق شرق آستان حضرت سیدالشهدا علیه السلام به خاک سپرده شد. وی در مرثیه‌ای اندوه خویش را چنین ابراز می‌کند:

... نفسی لیزینب و السبایا خسراً تبكى و منظرها الی أخواتها

یعنی: جانم برای زینب علیها السلام و اسرای کربلا و مناظر آن اشک می‌بارد (شُبّیر،

۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۲).

شیخ محمد نصّار بن علی بن ابراهیم بن محمد شیبانی الملمومی (متوفّا به سال ۱۲۹۲ق) از دیگر ادبای عرب که فاجعه جانسور خاندان عصمت و طهارت را به روایت نشسته است، در سروده‌های او نقش حضرت زینب علیها السلام بسیار غنی و پُررنگ می‌باشد:

... فَأَتَتْهُ زَيْنَبُ بِالْجَوَادِ تَقْوَدُهُ وَ الدَّمْعُ مِنْ ذِكْرِ الْفِرْقَا يَسِيلُ...

یعنی: حضرت زینب علیها السلام آنگاه که به دیدار برادرش آمد، مانند سیل اشک‌هایش جاری بود (همان، ج ۷، ص ۲۳۳).

در شعر معاصر عرب نیز شاعران بسیاری کوشیده‌اند تا در سروده‌های خویش، عرض ادب و ارادتی داشته باشند به پیشگاه بانوی حماسه و ایثار که در اینجا به شمه‌ای از آثار این سخن‌سرایان اشاره‌ای خواهیم داشت:

ابراهیم علوان النصیر اوی از شاعران عراقی است که در مجموعه‌ای بالغ بر هزار بیت به نام حدیث کربلا، کوشیده تا ادای دینی به حماسه جاودان عاشورا داشته باشد:

وَ صَاهِلًا قَبْلَ يَعْدُوا لِلخَيْمِ فَاقْبَلْتِ زَيْنَبُ يَتْلُوها الْحَرَمُ ...

یعنی: اسب امام حسین علیه السلام بدون او به سوی خیمه‌ها باز می‌گشت و زینب علیها السلام در حالی که اهل حرم را فرامی‌خواند، به سوی اسب بی‌سوار شتافت (نصیراوی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲).

سعید العسیلی متخلص به «الشاعر الحزین» از شاعران معاصر لبنان است که تاکنون چندین اثر از وی چاپ و منتشر شده است؛ ولی شهرت وی بیشتر به خاطر مجموعه شعری عاشورایی با نام ملحمة کربلا می‌باشد که این اثر در بیش از شش هزار بیت سروده شده و مورد توجه اهل ادب قرار گرفته است. او در بخشی از این اثر به عظمت شخصیت حضرت زینب علیها السلام و مصایب

توانفرسایی که آن بانوی بزرگوار با شکیبایی متحمل شده‌اند، می‌پردازد:
 ... ولو الجبال رات مُصيبة زینب لتصدعت مما رأته زینب
 یعنی: حقیقتاً اگر کوه‌ها مصایب زینب ﷺ را می‌دیدند، از هم فرومی‌پاشیدند
 «عسیلی، ۱۴۰۶، ص ۵۳۰».

معروف عبدالمجید از شاعران و نویسندگان معاصر مصر است که دارای تألیفات و آثار متعددی می‌باشد. او در بخشی از یکی از سروده‌های خود به موضوع فلسطین می‌پردازد و با نگاهی آرمانگرایانه از ایستادگی حضرت زینب ﷺ در برابر ستم یاد می‌کند:

... زینبُ ما ارتحلت من قلب فلسطین / يوماً... / هی باقیة فی القدس / تُقابل
 دوماً...! / هی تحلمُ للمثذنة المحترقة حلماً... / هی تزرعُ فی صحنِ الاقصی...
 زینب ﷺ از قلب فلسطین بپاخاسته و در قدس باقی است و در مأذنه آتش گرفته
 آن و در صحن مسجدالاقصی باقی است ... (عبدالمجید، ۱۳۷۶، ص ۹۰).
 روشن است که تجلی حضرت زینب ﷺ در شعر عرب، بسیار گسترده و
 چشمگیر می‌باشد که پرداختن به آن فرصتی بس فراخ می‌خواهد و گفتنی است
 سرودن درباره او نه تنها در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس جرم تلقی می‌شد و
 مرتکب آن می‌بایست جان و زندگی خود را در این راه نثار کند، بلکه در اعصار
 دیگر نیز در ممالک عربی، سخن‌گفتن و سرودن از زینب ﷺ مترادف بیداری است
 و حکومت‌ها سعی بسیار در از میان‌بردن این آثار داشتند.

۵. تجلی حضرت زینب ﷺ در شعر کهن پارسی

پیشینه مدح و منقبت خاندان پاک وحی در ادبیات فارسی به اواخر قرن سوم هجری بازمی‌گردد. این سخن‌بدان معناست که متأسفانه آثاری که پیش از این

تاریخ از تطاول زمان مصون نمانده و حتی آثاری که از سخنوران سده سوم به بعد نیز به ما رسیده است، گاه بسیار اندک و به صورت پراکنده می‌باشد، تا جایی که از برخی سخن‌سرایان فقط نامی و یا بیتی در تذکره‌ای به جای مانده و خبری از دیوان او نیست.

در تاریخ شعر پارسی پس از ظهور اسلام به نظر می‌آید آثار شعرایی که دارای گرایش‌های شیعی بوده‌اند، بیشتر در معرض گزند روزگار قرار گرفته است؛ چنان‌که از شاعرانی مانند رودکی که پدر شعر فارسی شمرده می‌شود، اشعار قابل ملاحظه‌ای باقی نمانده و دیوان موجود شعر رودکی که معاصرانش وی را شاعری فاطمی معرفی کرده‌اند، حاصل مطالعه و گردآوری پژوهشگران معاصر است.

در آثار شاعران قرون سوم و چهارم هجری اگر ذکری از اهل بیت علیهم‌السلام دیده می‌شود، غالباً با کلی‌گویی و اشاره همراه است و بیشترین تأکید آنان بر پنج تن آل عبا می‌باشد. قدیمی‌ترین ذکر نام مبارک حضرت زینب علیها‌السلام در شعر حکیم کسایی مروزی دیده می‌شود که در اواخر دوره سامانی و اوایل عصر غزنویان می‌زیسته و وفات وی را ۳۹۴ هجری ذکر کرده‌اند.

جای دریغ دارد که گفته شود آثار کسایی به دنبال شرارت‌های تعصب‌گرایانه از میان رفته است و در حال حاضر فقط تقریباً ۲۰۰ بیت از آثار این شاعر شیعی به یادگار مانده است. وی در یکی از سروده‌های عاشورایی خویش درباره حضرت زینب علیها‌السلام چنین آورده است:

آن زینب علیها‌السلام غریوان، اندر میان دیوان آل زیاد و مروان، نظاره گشته عمداً
(کسایی مروزی، ۱۳۷۰، ص ۴۸)

حکیم ابوالمجد، مجدود بن آدم معروف به سنایی غزنوی از شاعران اواخر سده پنجم هجری از پیشگامان شعر آیینی و روایت واقعه عاشورا است. این شاعر نامدار شیعی که دارای اشعار فراوانی در ستایش خاندان وحی ﷺ می‌باشد، در عرفان نیز از جایگاه ارجمندی برخوردار بوده؛ چنان‌که مولانا در تکریم او سروده است:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنایی و عطار آمدیم

حکیم سنایی در یکی از سروده‌های عاشورایی خود، چنین از بانوی کربلا سخن می‌گوید:

شهربانو و زینب ﷺ گریان مانده در فعل ناکسان حیران

(سنایی غزنوی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۹)

نظر به کثرت شاعران متقدم، در این مجال به ذکر نام و ابیاتی از برخی از این بزرگواران در این باره اکتفا خواهیم کرد و علاقه‌مندان را جهت کسب اطلاعات افزون‌تر، به منابع ذکر شده ارجاع می‌دهیم؛ با ذکر این نکته که بعضی از شاعران متقدم در مدح و منقبت حضرت زینب ﷺ دارای سروده‌های متعددی‌اند که برخی از این سروده‌ها بسیار طولانی است. آنچه پس از این می‌آید فقط جلوه‌ای از شاعران نامدار شعر کلاسیک فارسی است و حوزه پژوهش به لحاظ زمانی تا پایان قرن سیزدهم هجری می‌باشد.

۵-۱. محتشم کاشانی

ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان بر پیکر شریف امام زمان فتاد

بی‌اختیار ناله «هذا حسین» از او سر زد چنان‌که شعله از او در جهان فتاد

(یثربی، ۱۳۸۰، ص ۳۷)

۵-۲. میرزا محمد شفیح (وصال شیرازی)

زینبؑ چو دید پیکری اندر میان خون
چون آسمان و زخم تن از انجمش فزون
(وصال شیرازی، [بی‌تا]، ص ۱۶)

۵-۳. میرزا حبیب شیرازی (قآنی)

سکینه به زنجیر، زینبؑ به بند
رقیه به غُل، عابدین در کمند
(محمدزاده، ۱۳۸۸، ص ۸۷۱)

۵-۴. محمد بن ابوالقاسم (اشراق آصفی)

زینبؑ گشود دیده گوهر فشان و دید
در خاک و خون فتاده جوانان سیم تن
(اشراق آصفی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳)

۵-۵. میرزا محمد (داوری شیرازی)

گریه سیلی شد و بنیاد صبوری بر کند
تو همین زینبی و چشم تری می شنوی
(محمدزاده، ۱۳۸۳، ص ۸۹۰)

۵-۶. میرزا اسماعیل هنر جندقی

گفتا به زینبؑ ای و به محمل نشین که چرخ
خواهد تو را به ناقه عربان سوار کرد
(همان، ص ۸۹۴)

۵-۷. شمس الشعرا میرزا محمد علی سروش اصفهانی

زینبؑ گرفت دست دو فرزند نازنین
می سود روی خویش به پای امام دین
(گل محمدی، ۱۳۶۶، ۱۵۹)

۵-۸. رضاقلی خان (هدایت طبرستانی)

زینب ❁ برون دوید و رکابش گرفت زود کز سروران جیش، تنی را دگر نداشت
(محمدزاده، ۱۳۸۳، ص ۹۱۲)

۵-۹. میرزا محمدعلی (همای شیرازی)

زینب ❁ چو دید آتش بیداد کوفیان بر پا ز دود آه به گردون خیام کرد
(همای شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۲۱)

۵-۱۰. میرزا احمد (وقار شیرازی)

زینب ❁ چو تشنه‌ای که نماید سراغ آب در جستجوی پیکر شاه زمان فتاد
(محمدزاده، ۱۳۸۳، ص ۹۲۵)

۵-۱۱. تاج‌الشعرا محمد میرزا نواب (جیحون یزدی)

زینب ❁ که در سیر ز علی بود یادگار او را به تازیانه هر بد سیر زدی
(همان، ص ۹۳۴)

۵-۱۲. ملک‌الشعرا میرزا محمد حسین عنقای اصفهانی

چنان گریست زینب ❁ بر کشته برادر کز شش جهت فراتی شد از سرشک جاری
(همان، ص ۹۴۲)

۵-۱۳. محمودخان ملک‌الشعرا صبا

نگذشت آنچه به دل زینب ❁ ز درد و غم
بگذشتی ار به کوه، فرو ریختی ز هم
(همان، ص ۹۴۸)

۵-۱۴. میرزا محمد تقی نیر تبریزی

زینبؑ چو دید پیکر آن شه به روی خاک
از دل کشید ناله به صد درد سوزناک

(گل محمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۰)

۵-۱۵. صفی علیشاه

عزم میدان کرد چون جلال عشق
گفت کای لب تشنه جام وصال
زینبؑ از پی با زبان حال عشق
بعد از اینت در کجا بینم جمال
(محمدزاده، ۱۳۸۸، ص ۹۸۵)

۵-۱۶. میرزا نورالله عمان سامانی

با زبان زینبی شاه آنچه گفت
با حسینی گوش زینبؑ می شنفت
(عمان سامانی، ۱۳۷۲، ص ۶۱)

۵-۱۷. میرزا ابوالقاسم محمد نصیر (طرب شیرازی)

زینبؑ ز بس که جور و جفا دید و صبر کرد
آتش به جان صبر از این ماجرا زدند
(همای شیرازی، ۱۳۴۲، ص ۴۹)

۵-۱۸. محمد باقر بن پنجشنبه (صامت بروجردی)

چادر عصمت چو بردند از سر زینبؑ فکند
شب کلاه خسروی در چرخ از سر آفتاب
(صامت بروجردی، [بی تا]، ص ۱۷۷)

۵-۱۹. امیر الشعرا میرزا محمد صادق (ادیب الممالک فراهانی)

زد چاک پیرهن حسن و شد حسین به تاب
کلثوم در فغان شد و زینبؑ خروش کرد
(گل محمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۸)

۵-۲۰. میرزایحیی مدرس اصفهانی

زیا برهنه سوی شام ره سپردن زینب ❁ کدام خار مگیلان به پای دل نخلیده
(مدرس اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۳۸۵)

۵-۲۱. میرزا محمد صادق (رفعت سمنانی)

خوف راه در دل آن خیل سپه مسکن بود بزم زینب ❁ ز گلستان رخس گلشن بود
(رفعت سمنانی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱)

۵-۲۲. میرزا جهانگیر خان محبی (ضیایی ناظم الملک)

بر زینب ❁ و به قافله سالاریش نگر وز خیل اشک و آه ببین احتشام او
(ضیائی، ۱۳۴۶، ص ۱۰۶)

۵-۲۳. شیخ اسماعیل بن حسین (تائب تبریزی)

آن که در حال اسیری پی نهضت برخاست
گشت خاتون ظفر در همه جا زینب ❁ بود
(محمدزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷۲)

۵-۲۴. حاج سلیمان صباحی بیدگلی

بی خود کشید ناله «هَذَا أُخِي» چنان
کز ناله اش به گنبد گردون صدا فتاد
(شاهرخی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴)

۵-۲۵. ابوالحسن طوطی همدانی

فریاد از آن زمان که زنان خیام شاه
گشتند گرد زینب ❁ چون هاله گرد ماه
(گل محمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۷)

۲۶-۵. شباب شوشتري

زينب ﷺ چو پاره پاره به خون ديد قامتي بنشست و خاست ز آه و فغانش قيامتي
(يثربي، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸)

نگاه تمامی شاعران متقدم و متأخر پارسی گوی، نگاهی حزن آلود و سرشار از غم و اندوه به واقعه کربلاست. در واقع اکثر شاعران کوشیده‌اند روایت‌گر این واقعه باشند و با مرثیه‌سرایی ادای دین نمایند و با این قافله همدم و همراه شوند. نگاه شاعران به حضرت زينب ﷺ عموماً در هاله‌ای از رنج و ماتم پوشیده شده است و در مواردی همچون اشعار عمان سامانی رنگی از عرفان به خود می‌گیرد.

اگرچه در برخی از اشعار، عنصر حماسه نیز به چشم می‌آید؛ ولی این عنصر به اندازه رگه‌هایی است که در برابر جنبه سوگ و عزا چندان پُررنگ نیست؛ به عبارت دیگر، غالباً شاعران کوشیده‌اند نهضت عاشورا را با بیانی ادیبانه عرضه نمایند که حاصل برخی از این آثار را می‌توان تاریخ‌نگاری منظوم به شمار آورد. نکته قابل توجه در مرور این دوران، توجه تدریجی شاعران به نقش و جایگاه حضرت زينب ﷺ در قیام عاشورا است که روندی صعودی دارد و بیانگر تکامل درک شاعران در طول زمان نسبت به شخصیت این بانوی گرانمایه است.

۶. تجلی حضرت زينب ﷺ در شعر معاصر

تجلی بانوی بزرگ حماسه عاشورا در عرصه شعر معاصر، حکایتی بس شگفت و شگرف است و آثاری که در این باره تاکنون منتشر شده است، از حد شمار بیرون می‌باشد و به تحقیق هیچ شاعر صاحب‌دل و آزاده‌ای نمی‌توان یافت که در مجموعه اشعارش اثر یا آثاری در این زمینه دیده نشود.

نظر به علاقه و استقبال علاقه‌مندان به آن حضرت، مجموعه شعرهای مستقلی درباره آن بانوی گرامی تاکنون چاپ و منتشر شده است که می‌توان به کتاب‌های **آئینه صبر**، **بانوی صبر** و... اشاره کرد.

شاعران معاصر در اشعار ارزنده خویش درباره حضرت زینب علیها السلام کوشیده‌اند تا از زوایای گوناگونی به شخصیت ژرف و زندگانی پربار آن حضرت نزدیک شوند و با زبانی تازه و پُرطراوت و با تشبیهات و استعاره‌های تازه به استقبال این موضوع بشتابند.

در مجموع می‌توان آثاری را که تاکنون درباره حضرت زینب علیها السلام سروده شده است، به مضامین، موضوعات و شیوه‌هایی تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

- اشعاری که مستقیماً درباره آن حضرت سروده شده و گاه حتی ردیف شعر

نام مبارک حضرت زینب علیها السلام است؛

- اشعاری که درباره ائمه دیگر یا شهدای عالیقدر واقعه عاشورا سروده شده و

در آن ذکر نام و یاد حضرت زینب علیها السلام مشاهده می‌شود؛

- اشعاری که ترجمان منظوم خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام در کوفه و شام

است که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب **طوفان خطبه‌ها** از *احمد*

ده‌بزرگی اشاره داشت؛

- اشعاری که درباره فرزندان شهید آن بانو (عون و محمد) سروده شده و

در آن به مهر مادرانه و احساس تکلیف و وظیفه آن حضرت پرداخته

شده است؛

- اشعاری با مضامین انقلاب، دفاع مقدس و مقاومت که در آن بیشتر به جنبه

حماسی و پاسداری و ابلاغ پیام سرخ شهدا تأکید شده است؛

- شعرهایی با رویکرد طنز تلخ گزنده در مذمت و نکوهش کسانی که در راه

- ابلاغ پیام سرخ شهدا تعلق و تسامح می‌کند و یا تقبیح اشخاصی که به سوء استفاده از مقام ارجمند شهدا و بزرگان مشغول‌اند؛
- مولودیه‌ها که اگرچه درباره ولادت فرخنده حضرت زینب علیها السلام سروده شده؛ اما در این آثار رگه‌هایی از حضور حماسی آن بانوی گرامی در واقعه عاشورا دیده می‌شود؛
- اشعار مجالس تعزیه که در جهان به تراژدی شیعی ایرانی معروف است و نمایش آیینی منظومی است. علاوه بر حضور حضرت زینب علیها السلام در تمامی مجالس مربوط به عاشورا، مجالس تعزیه مستقلاً درباره آن بانو وجود دارد؛
- اشعار چاووشی که روایت سفر به عتبات و نیز زیارت مرقد مطهر آن بانوی ارجمند در شام است؛
- نوحه‌ها، به عنوان سوگ سروده‌ها، اشعاری که به منظور خوانده شدن در مراسم عزاداری به صورت دسته‌جمعی سروده شده و دارای قابلیت‌های خاص خود است؛
- سرودها، ترانه‌ها، آواها و نغمات آیینی؛
- اشعار بانوان شاعر با نگاه و رویکردی زنانه؛
- شعرهایی برای کودکان و نوجوانان با زبانی ساده و روان و کودکانه؛
- اشعار پرده‌خوانی یا شمایل‌گردانی؛
- اشعار شاعران پارسی‌گوی دیگر ملل جهان؛
- اشعار عامیانه (فولکلوریک) با گویش‌های گوناگون محلی.
- در این مجال، فقط به ذکر نمونه‌هایی از اشعار معاصران در این زمینه اکتفا خواهیم کرد:

۱-۶. عباس براتی پور

... اینجاست کربلا کی شود زینب بی‌یار و بی‌برادر و بی‌یاور ...
(براتی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴)

۲-۶. رحمت‌الله صادقی

زینب ای اسطوره صبر و رضا قهرمان انقلاب کربلا
(رسول‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۱۳)

۳-۶. قادر طهماسبی (فرید)

سرّی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود
(گلمرادی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲)

۴-۶. صابر امامی

... نمایی داشت از نگاه زنی خیره به نیلوفری در گودالی و نینوایی از نی‌ها:
«ما رأیتُ إلاّ جمیلاً»
نمایی درشت از نگاه زنی نستوه و خشمگین ...
(اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۸۴)

۵-۶. بهروز سپیدنامه

غم بی‌یاوری یا رب چه سخت است برای حضرت زینب چه سخت است
(سپیدنامه، ۱۳۹۰، ص ۵۸)

۶-۶. نغمه مستشار نظامی

... این خطبه نیست! تیغه شمشیر این زن است

وقتی خرابه‌های دمشق است سنگرش

(مستشار نظامی، ۱۳۸۶، ص ۶۰)

۶-۷. محمدرضا یاسری

... گر حسین از پی دین جان بخشید

زینبؑ آن را سر و سامان بخشید

(یاسری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷)

۶-۸. رضا اسماعیلی

کرب و بلا، تجسم زیبایی خداست

زینبؑ هنوز گرم تماشای کربلاست

(اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص ۹۳)

۶-۹. حمید کرمی

روز در چشمان زینبؑ تار شد

آسمان روی سرش آوار شد

(کرمی، ۱۳۹۰، ص ۸۰)

۶-۱۰. عبدالعظیم صاعدی

بیا بیتوته کن در یاد زینبؑ

چه می‌دانی تو از امداد زینبؑ

(صاعدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷)

۶-۱۱. رضا عبداللهی

منم زینب که عاشوراست در من

و دریایی که ناپیداست در من

(عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۵)

۶-۱۲. علی هوشمند

کاروانی از داغ

ناقه‌هایی از آتش

محمل‌هایی در آستان انفجار
و اسیران اندوه در کوچه‌های غریب کوفه
و بلاغت خطبه‌های آتشین
کز لبان بانویی سبزیپوش می‌تراود
آتش‌فشانی دهان می‌گشاید

(شرفشاهی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۲)

۶-۱۳. جواد محدثی

صبح ازل طلیعه ایام زینب علیها السلام است
پاینده تا به شام ابد نام زینب علیها السلام است
(محدثی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۴)

۶-۱۴. سیدرضا مؤید

ماجرای کربلا شرح بلای زینب علیها السلام است
عصر عاشورا شروع کربلای زینب علیها السلام است
(کافی، ۱۳۸۶، ص ۶۴۲)

۶-۱۵. حسن فرحبخش (ژولیده نیشابوری)

من زینبم، مسافر شام بلا، حسین علیها السلام
تنها بگو چگونه گذارم تو را، حسین علیها السلام
(فرحبخش، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷)

۶-۱۶. صادق رحمانی

ستاره گریه و الماس، با من
تمام حزن زینب علیها السلام را بخوان باز
شب است و بوی زخم یاس با من
گلوی زخمی احساس با من
(بختیاری، ۱۳۶۲، ص ۲۴۳)

۶-۱۷. محمدرضا سهرابی نژاد

کلامش سنگ‌ها را نرم می‌کرد
دل افسردگان را گرم می‌کرد

زنی در پیش مردی خطبه می خواند

که مرد از مردبودن شرم می کرد
(سهرابی نژاد، ۱۳۷۸، ج ۲۲، ص ۲۱)

۱۸-۶. حسین اسرافیلی

با پای برهنه دشت‌ها را زینب علیها السلام

دنبال حسین علیه السلام، سایه‌وار آمده بود
(اسرافیلی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۸)

۱۹-۶. احمد عزیزی

ای سفیر کربلا در قصر ظلم

خواهر خون خدا در عصر ظلم
(شاهرخی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۴)

۲۰-۶. حمیدرضا شکارسری

تا ابد

بزرگ‌ترین معمای تاریخ خواهد بود

این که تو باشی

و سلسله جبال نور

فقط

چهارده قلّه داشته باشد!

(شکارسری، ۱۳۷۵، ص ۳۹)

۲۱-۶. امیر عاملی

زینب علیها السلام زبان حیدری‌اش را چو باز کرد

جز لرزه بر تن و دل دشمن محال بود
(عاملی، ۱۳۸۸، ص ۲۳)

۲۲-۶. احد ده‌بزرگی

می‌رفت و نسیم‌وار بانوی بهار

چون سایه به دنبال سر گل می‌رفت
(ده‌بزرگی، ۱۳۸۲، ص ۷۹)

۶-۲۳. قاسم رسا

ناموس خدا زینب[ؑ]، در ظلمت شب گویی
شمعی است که گرد او، جمعد پریشان‌ها

(عابد نهماوندی، ۱۳۷۹، ص ۴۰)

۶-۲۴. سیدحسین حسینی

... تاریخ زن
آبرو می‌گیرد
وقتی پلک صبوری می‌گشایی
و نام حماسیات
بر پیشانی دو جبهه نور می‌درخشد
زینب!

(حسینی، ۱۳۷۱، ص ۶۵)

۶-۲۵. محمدرضا احمدی‌فر

... وقتی که به خیمه‌ها هجوم آوردند
ای کاش دلی به حال زینب[ؑ] می‌سوخت!

(طاهریان، ۱۳۸۳، ص ۳۰)

۶-۲۶. نصرالله مردانی

زینب[ؑ] ای پاک‌تر از چشمه نور
کس نیاید به جهان چون تو صبور
(مردانی، ۱۳۸۱، ص ۲۷)

۶-۲۷. سارا جلوداریان

تاریخ، در محرم چشم تو ریخته
ای زینبی که حجت حق بر لبان توست
(جلوداریان، ۱۳۸۷، ص ۸۸)

۶-۲۸. کاظم جیرودی

بعد از تو و آن ظهر دردآلود، زینب هم چشم انتظار صبح فردا ماند و من ماندم
(جیرودی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱)

۶-۲۹. سلمان هراتی

ای دشت‌های محو مقابل
اعماق بی‌ترحم و تاریک
ای اتفاق گرم
با ما بگو
زینب ﷺ کجا گریست؟
زینب ﷺ کجا به خاک فشانید
بذر صبر؟
بر ماسه‌های توای گردباد مرگ
آن وقت
وقت درنگ ناقه دل‌تنگی
زینب ﷺ چه می‌نوشت؟

(هراتی، ۱۳۷۶، ص ۶۳)

۶-۳۰. محمدجواد غفورزاده شفق

زینب ﷺ ای همسفر خون خدا
سایه در سایه مصباح هدی ...
(غفورزاده شفق، ۱۳۸۵، ص ۶۱)

۶-۳۱. محسن احمدی

با من بگو چگونه در آن برزخ کبود
دیدند زینبی و، نکردند باورت ...
(مجاهدی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۴)

۶-۳۲. سیدعلی موسوی گرمارودی

مستوره پاک پرده شب

ای پرده کائنات زینب... ..

(مردانی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰)

۶-۳۳. مصطفی جلیلیان مصلحی

زینب... ای آلاله دردآشنا

بر دلت نقش است داغ کربلا

(فروغی چهارمی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۶)

۶-۳۴. سیدحسین ثابت محمودی (سپیل)

درفش صبر را افراشت زینب... ..

به سینه بذر هجران کاشت زینب... ..

حسین... از خیمه بیرون رفت، اما

نمی‌دانم چه حالی داشت زینب... ..

(رضایی آدریانی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۹)

۶-۳۵. سیدمحمد جوادی

... من گریه می‌کنم به غریبی زینم

زیرا به سنگ بدرقه خواهرم کنند

(لطیفیان، ۱۳۸۶، ص ۷۸)

۷. تجلی حضرت زینب... در نوحه‌ها

علامه علی‌اکبر دهخدا در لغت‌نامه در تعریف «نوحه» آورده است: بیان مصیبت، گریه‌کردن با آواز، آواز ماتم، شیون و زاری، مویه‌گری، شعری که در ماتم و سوگواری با صوت حزین و ناله و زاری خوانند.

پیشینه نوحه‌خوانی برای خاندان پاک وحی... به دوران صدر اسلام بازمی‌گردد و به ویژه پس از واقعه جانسوز کربلا، طبق روایات مراسمی در خانه امامان عالیقدر شیعه برگزار و آن بزرگواران به منظور حفظ شعائر، نشر

فضیلت‌ها و زنده‌نگاهداشتن یاد حضرت سیدالشهدا^{علیه السلام} و اسوه‌های عالی دین، حضور یافته و بر مصایب آن بزرگواران می‌گریستند.

در ایران، عصر دیلمیان را نقطه عطفی در نوحه‌سرایی و نوحه‌خوانی به شمار آورده‌اند و پس از این دوره، عصر صفوی و قاجار دوران تکامل این شیوه محسوب می‌شود.

اشعار نوحه نوع خاصی از سوگ سروده یا شعر مرثیه است که غالباً در مجالس و راهپیمایی دسته‌های عزاداری به صورت گروهی اجرا می‌شود و معمولاً همراه با این اشعار، طبل و سنج و شیپور نیز نواخته می‌شود.

نوحه‌خوانی شیوه عزاداری خاص شیعیان است که همزمان با قرائت اشعار به صورت دسته‌جمعی، سینه‌زنی و زنجیرزنی نیز با آن همراه است و اوج نوحه‌خوانی را می‌توان در ایام دهه محرم به ویژه در ایام تاسوعا، عاشورا و شام غریبان در تکایا، مساجد و حسینیه‌ها مشاهده کرد.

خواننده اشعار نوحه را «مداح» یا «نوحه‌خوان» می‌گویند که عموماً اشخاص برخاسته از میان عامه مردم‌اند و به سبب عشق و ارادت به خاندان عصمت و طهارت، به نوحه‌خوانی می‌پردازند و هریک به تناسب ذوق و قریحه خود اشعار را با نوا و نغمه‌ای خاص به صدای بلند می‌خواند و بخش‌هایی از شعر را به عهده جمعیت عزادار می‌گذارد تا با آن «دم» بگیرند.

ناگفته پیداست حضرت زینب^{علیها السلام} در اشعار نوحه‌ها دارای مقام و مرتبه بسیار والا و ارجمندی می‌باشند و کیست که نوحه‌ای حزین درباره آن حضرت به یاد نداشته باشد، خصوصاً در ظهر عاشورای هر سال که همه با هم در نوحه‌ها زمزمه می‌کنند: «نیزه شکسته‌ها را بزن کنار زینب» و یا آنگاه که از دلاوران کربلا

یاد می‌کنند: «اکبر چه شد؟ شهید شد. قاسم چه شد؟ شهید شد. عباس چه شد؟ شهید شد. اصغر چه شد؟ شهید شد... حسین چه شد؟ شهید شد، و در این لحظات اوج نوحه‌خوان خطاب به جمع فریاد می‌کشد: زینب چه شد؟ و جمعیت با اشک و اندوه پاسخ می‌دهد: اسیر شد.»

در این مجال به ذکر نمونه‌هایی از آثار نوحه‌سرایان معاصر در این باره اکتفا می‌کنیم با ذکر این نکته که اشعار موجود در این زمینه بسیار فراوان و به زبان‌ها و لهجه‌های گوناگون می‌باشد و نوحه‌سرایی فقط به ادبیات فارسی محدود و منحصر نیست.

۱-۷. محمد موحدیان امید

لاله به صحرا از خون تو می‌روید
خواهرت از بویت جسم تو می‌جوید
حسین زهرایی، راحت جان‌هایی

(اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷)

۲-۷. محمد نعیمی

... ای خجل آب فرات از حنجر تو
ای فدای سوز و آه خواهر تو
ای گشته قربان، در راه جانان، مظلوم حسین جان

(همان، ص ۱۲۲)

۳-۷. غلامرضا سازگار

... سر از سنگ شکسته، قد از غصه خمیده
به دل داغ برادر، ز رخ رنگ پریده

شرارش به دل زار، سرشکش به دو دیده
بُود از همه عالم، فزون مشکل زینب
امان از دل زینب، امان از دل زینب

(سازگار، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۶۶)

۷-۴. محمدجواد غفورزاده شفق

... رفت آنکه پیش دیدگانش با جسارت
خون گریه می‌کرد یا صبح یا شام
بستند زینب را به زنجیر اسارت
از بس ستم دید از کوفه تا شام

(اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳)

ذکر این نکته در اینجا لازم به نظر می‌رسد که اگرچه نوحه‌ها بسیار مورد توجه خاص و عام قرار گرفته‌اند؛ ولی برخی از نوحه‌ها از سطح کیفی قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبوده، شایسته مقام و منزلت خاندان پاک و حیّ نیستند؛ بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که اشخاص آگاه و توانمند با حضور در این عرصه باید از رواج نوحه‌هایی که دارای کژتابی و یا بیان موضوعات خرافاتی و غیرمستند است، جلوگیری کنند و امکان ارائه آثاری را فراهم آورند که در جهت ابلاغ پیام و تبیین اندیشه‌های نورانی مکتب تشیع باشد.

۸. تجلی حضرت زینب علیها السلام در اشعار چاووشی

چاووش در تعریف به مفهوم پیشرو لشکر و کاروان، نقیب قافله، کسی که پیشاهنگ قافله یا زوار حرکت کند و آواز خواند، آمده است (معین، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۷۰).

در کتاب فرهنگ معاصر، در تعریف ترکیب «چاووش‌خوانی» آمده است:

آواز و اشعاری که چاووش قافله زوار در منقبت ائمه و مناسب با زیارت عتبات مقدس بخواند.

چاووش خوانی از سنت‌ها و آیین‌نامه‌های دیرینه ایرانی است که دارای حال و هوایی کاملاً شیعی می‌باشد و با گذشت زمان اکنون فقط در برخی از نقاط روستایی دیده می‌شود.

چاووش خوان‌ها غالباً در ایام سفر به مکان‌های مقدس با قرائت اشعاری در این باره و شرح و توصیف منازل بین راه و فضیلت زیارت، همچنین مدح و منقبت خاندان پاک وحی ﷺ می‌کوشیده‌اند تا از آغاز سفر، فضایی معنوی و روحانی پدید آورند.

سراینده اشعار چاووشی‌ها گمنام‌اند و اگرچه نسخه‌هایی از چاووشی‌های کهن به یادگار مانده است؛ ولی در این نسخه‌ها نام و اطلاعات چندانی از سراینندگان آن نیست؛ به عبارت دیگر، چاووش خوان‌ها اشخاص ارادتمند اهل بیت ﷺ بوده‌اند که بدون هیچ چشم‌داشتی به سرودن شعر در این باره و قرائت آن می‌پرداخته‌اند. البته گاهی نیز باید بین سراینندگان و قرائت‌کنندگان چاووشی‌ها تفاوت قائل شد.

درباره سفر به مدینه منوره، کربلای معلای و زینبیه شام (دمشق) در چاووشی‌ها نام مبارک حضرت زینب ﷺ دیده می‌شود و چاووش خوان‌ها در اشعاری که با صدای بلند می‌خوانند، از آن بانوی گرانمایه یاد کرده، فضایل و کرامات آن حضرت را یادآوری می‌کنند.

۹. تجلی حضرت زینب در اشعار پرده‌خوانی (شمایل‌گردانی)

پیش از آنکه رسانه‌های دیداری و شنیداری مانند رادیو و تلویزیون قدم به صحنه زندگی مردم بگذارند، اشخاص با پرده‌های نقاشی بزرگی که بر روی آن صحنه‌های واقعه کربلا ترسیم شده بود، در کوچه و خیابان‌ها می‌گشتند و با نصب پرده نقاشی به دیوار، مجلسی به پا می‌کردند که از این هنر آیینی دیرین و از یادرفته با عنوان «پرده‌خوانی» یا «شمایل‌گردانی» یاد می‌شود.

پرده‌خوانی آمیزه‌ای از نقالی، روضه و شعرخوانی بود و پرده‌خوان با اشاره به صحنه‌های ترسیم‌شده بر روی پرده، به تناسب موضوع گاه به نقل واقعه، گاه روضه‌خوانی و گاه استفاده از شعر روی می‌آورد؛ البته اشعاری در حد درک عامه مردم. دکتر جابر عناصری در کتاب **نمایش و نمایش در ایران**، تحقیق ارزنده‌ای در این باره ارائه کرده است و پیدایش این هنر آیینی را به عصر صفوی نسبت می‌دهد (بیضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶).

پرده‌خوان از اشعاری در لابه‌لای مجلس خود استفاده می‌کرد که به منظور شرح شمایل (صورتگری‌های مذهبی) سروده شده بود. شاعران این شعرها گمنام‌اند و جای دریغ دارد که گفته شود تلاش چشم‌گیری در جهت ثبت و ضبط این هنر آیینی صورت نپذیرفته است.

سخن درباره پرده‌خوانی دراز است و ذکر این نکته لازم که احیای این هنر آیینی می‌تواند ابزار مؤثر و مناسبی برای ترویج و اشاعه فرهنگ دینی، به ویژه در میان کودکان و نوجوانان باشد.

این مجال را با شعری از یکی از مجالس پرده‌خوانی درباره حضرت زینب علیها السلام به پایان می‌آوریم:

چه کربلاست که آدم به هوش می‌آید هنوز ناله زینب به گوش می‌آید
(همان، ص ۱۹۰)

۱۰. تجلی حضرت زینب در اشعار مجالس تعزیه

«تعزیه» نمایشی آیینی است که در جهان به عنوان «هنر نمایش شیعی ایرانی» شناخته می‌شود و غالباً دارای محتوای تراژیک است. این هنر آیینی به لحاظ ویژگی‌ها و قابلیت‌های خاص و منحصر به فردی که دارد، همواره شگفتی و تحسین جهانیان را برانگیخته و به عنوان نمایشی پیشرو مطرح بوده است که دارای سابقه‌ای طولانی و پیشینه‌ای درخشان می‌باشد. برخی محققان پیدایش این هنر آیینی را به دوران حکومت آل‌بویه نسبت می‌دهند که به تدریج مدارج ترقی و تکامل را طی کرده، به رغم دشواری‌ها به روزگار ما رسیده است. هنر آیینی تعزیه، نمایش منظومی است که در آن تمام دیالوگ‌ها و مونولوگ‌ها به زبان شعر بیان شده و با موسیقی خاص همراه است. هر اجرای تعزیه که به موضوعی مذهبی اختصاص دارد، اصطلاحاً «مجلس» نامیده می‌شود و بخش عمده‌ای از مجالس تعزیه به واقعه عاشورا اختصاص دارد. سراینده‌گان مجالس تعزیه غالباً گمنام‌اند و کمتر نام و نشانی از آنها وجود دارد. در واقع این شاعران، نمایشنامه‌نگار اشخاصی بوده‌اند که از سر اخلاص و بی‌هیچ چشم‌داشتی در این زمینه فعالیت می‌کرده‌اند. نظر به دست به دست شدن متون تعزیه و دستکاری برخی از تعزیه‌خوانان در متن اولیه بنا به ذوق و سلیقه، بعضاً اشخاصی به لحاظ عدم اشراف به

اصول، قواعد و صناعات ادبی تغییرات نابه‌جایی در این متون به کار برده‌اند که موجب لطماتی در این آثار شده که این امر در مقابله و مقایسه نسخه تعزیه کاملاً آشکار می‌شود.

پس از سپری شدن دوران اوج این هنر آیینی، با روی کار آمدن سلسله پهلوی، تعزیه مورد بی‌مهری قرار گرفت و در این دوران بسیاری از نسخ تعزیه توسط سیاحان و مستشرقان به غرب منتقل شد و در اختیار کلکسیونرها، کتابخانه‌ها و موزه‌ها قرار گرفت. برخی از این آثار نیز رفته‌رفته نابود شدند. *انریکو چرولی (A. Cerulli)* در کتاب **فهرست تعزیه‌نامه‌ها** که در سال ۱۹۸۶م در «رم» منتشر شده است، فقط از ۱۰۵۵ نسخه تعزیه در کتابخانه «واتیکان» خبر می‌دهد (همان، ص ۱۲۸).

از بعضی از این نسخ تعزیه که به خارج از ایران برده شده‌اند، در حال حاضر فقط ترجمه آن قابل دسترسی است و از سرنوشت اصل نسخه اطلاعی وجود ندارد؛ به عنوان مثال، *سر لوییس پلی* ۳۷ مجلس تعزیه را به زبان انگلیسی ترجمه کرده، در سال ۱۷۸۹م منتشر کرده است که این کتاب بیشتر به درد فرنگی‌ها می‌خورد تا ما! (همان، ص ۳۰).

سیمای حضرت زینب علیها السلام در مجالس تعزیه، سیمایی شکوهمند و باوقار، صبور و از خود گذشته، خردمند و شجاع، کاردان و سخنور، ستم‌ستیز و مقاوم است. حضرت زینب علیها السلام در اکثر مجالس تعزیه عاشورایی حضور دارد و به لحاظ بافت دراماتیک این نمایش آیینی، حضور او از قواعد علی و معلولی پیروی می‌کند و دارای ضرورتی غیرقابل انکار است.

حضور حضرت زینب علیها السلام در هنر آیینی تعزیه فقط به مجالس عاشورایی محدود نمی‌شود که این امر حکایت از ارادت شاعران تعزیه‌سرا به ساحت

مقدس این بانوی بزرگوار دارد. در واقع می‌توان گفت در مقایسه با جریان شعر کهن پارسی، شاعران تعزیه‌سرا بیشتر به زوایا و فرازهای دیگر زندگانی پُربرکت این بانوی عظیم‌الشان توجه داشته‌اند؛ چنان‌که مجالس تعزیه مربوط به حضرت زینب علیها السلام شامل موضوعات و مضامین ذیل می‌شود:

- مجلس تولد حضرت زینب علیها السلام
- مجلس عروسی حضرت زینب علیها السلام
- مجلس طفلان زینب علیها السلام
- مجلس شهادت امام علی علیه السلام
- مجلس شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام
- مجلس حجةالوداع اول، دوم (حرکت کاروان به سوی کربلا)
- مجلس شهادت امام حسین علیه السلام
- مجلس شهادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
- مجلس شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام
- مجلس شهادت حضرت قاسم بن حسن علیه السلام
- مجلس شهادت خُربین یزید ریاحی علیه السلام و مصعب
- مجلس شهادت عابس و شوذب (شهادای کربلا)
- مجلس شهادت وهب نصرانی (شهید تازه مسلمان شده کربلا)
- مجلس شهادت غلام ترک
- مجلس حضرت رقیه و خرابه شام
- مجلس دارالاماره کوفه و ابن زیاد
- مجلسه بارگاه یزید در شام
- مجلس خروج مسیب
- مجلس وفات حضرت زینب علیها السلام
- مجالس دیگر ...

شعر، روح و جان تعزیه است؛ آنچنان که این اثر حتی به صورت مکتوب و یا اجرای شفاهی (رادیویی) همچنان جذاب و قابل فهم است. متأسفانه درباره نقش و جایگاه شعر تعزیه و افزودن این آثار به گنجینه گرانبهای شعر عاشورایی تحقیق و تعمق قابل ذکری به انجام نرسیده است، در حالی که به حق اشعار مجالس تعزیه به نوبه خود گونه‌ای از شعر عاشورایی محسوب می‌شود که در این زمینه گفتنی‌ها فراوان است. در این فصل به تناسب موضوع، گذر و نظری کوتاه بر بعضی از مجالس تعزیه عاشورایی و سیمای حضرت زینب علیها السلام در آینه این هنر خواهیم داشت:

۱۱. مجلس خروج مسیب (خطاب به امام حسین علیه السلام)

زینب علیها السلام: برادر جان کلامت سوخت جانم زدی آتش به مغز استخوانم
خوشا روزی که بودم در مدینه بدم فارغ ز جور و ظلم و کینه ...

(رجایی زفره‌ای، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۱۰)

۱۱-۱. مجلس حجة الوداع اول

زینب علیها السلام: به حرمتم که به جمع شما حسین کجاست؟ یکی بگویدم آن نور هر دو عین کجاست؟
(صالحی راد، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹۸)

۱۱-۲. مجلس شهادت امام حسین علیه السلام

زینب علیها السلام: برادر جان حسین ای شاه ابرار
امام حسین علیه السلام: چه باشد مطلبت ای خواهر زار
زینب علیها السلام: بدان یک مطلبی دارم به دوران
امام حسین علیه السلام: برآرم آرزویت ای پریشان

زینب علیها السلام: بدان زهرا زمان جان سپردن
امام حسین علیه السلام: چه گفته آن زمان، گو مادر من ...

(همان، ج ۱، ص ۳۷۶)

۱۱-۳. مجلس شهادت حضرت عباس علیه السلام

زینب علیها السلام: عباس علمدارم، ای تاج سر زینب ترسم که کنی نیلی جامه به بر زینب
(همان، ج ۱، ص ۳۹۵)

۱۱-۴. مجلس طفلان زینب علیها السلام (عون و محمد)

زینب علیها السلام: خطاب به امام حسین علیه السلام:
از بهر خدا دو طفل برداشته‌ام
تا آنکه کنم برای تو قربانی
روزی که برون آمدم از شهر و وطن
طفلان خود از کوری چشم دشمن
(فتحعلی بیگی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۷۸)

۱۱-۵. مجلس شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام

زینب علیها السلام: علی اکبر ای ماه تابان زینب
طلب کرد بابت به پیکار، باری
فروغ رخت راحت جان زینب
قدم نه به چشمان گریان زینب
(صالحی راد، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۲۲)

۱۱-۶. مجلس حضرت رقیه علیها السلام و خرابه شام

رقیه علیها السلام: عمه دارم سؤال چند امشب
رقیه علیها السلام: پدرم گو نه در نظر باشد
رقیه علیها السلام: ز سفر او مگر نمی آید؟
زینب علیها السلام: کن سؤال ز عمهات زینب
زینب علیها السلام: پدرت عمه در سفر باشد
زینب علیها السلام: خواهد آمد غم تو بزداید
(فتحعلی بیگی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۸۸)

سرایندگان مجالس تعزیه غالباً اشخاصی آگاه به ادبیات و اوزان عروضی

بوده‌اند و به موسیقی کلام توجه وافری داشته‌اند؛ چنان‌که برخی از فرازهای تعزیه گاه به همراه موسیقی خاص تعزیه (شیپور، سنج و طبل) اجرا می‌شده و از این حیث تعزیه را می‌توان مادر سرود و ترانه‌های عاشورایی نیز به شمار آورد.

۱۲. تجلی حضرت زینب علیها السلام در اشعار عامیانه (فولکلوریک)

ادبیات عامیانه یا عامه (فولکلوریک) یکی از عناصر مهم فرهنگی هر جامعه‌ای به شمار می‌آید که گردآوری، حفظ و حراست از این گنجینه ملی، وظیفه‌ای است که نباید در انجام آن تعلل و اهمال صورت پذیرد.

در سرزمین پهناور ایران، اقوام گوناگونی زندگی می‌کنند که هر یک دارای عقاید، آداب و رسوم و لهجه‌های خاصی‌اند و همانند گل‌های یک بوستان بر لطف، صفا و زیبایی این مرز و بوم می‌افزایند.

علاوه بر ایرانی‌بودن، اکثریت مردمان این سرزمین مسلمان و دارای مذهب تشیع‌اند و بسیاری از آداب، باورها و سنت‌های آنان با ایمان و عقیده آنان درآمیخته شده است؛ خصوصاً عشق به خاندان پاک رسالت در تار و پود و اعماق جان ایرانیان نقش بسته و به همین دلیل این امر در هر گوشه از این سرزمین به شکل‌های گوناگونی قابل رؤیت است.

برگزاری آیین‌های سوگواری، نذورات و آداب و رسومی که ریشه در اعتقادات مذهبی مردم دارد، همواره محملی برای ادبیات عامه بوده است؛ به عبارت دیگر، مردم عشق و ارادت خود در قالب ترانه‌های عامیانه محلی، لالایی‌ها، چیستان‌ها و... زمزمه و به عنوان بخشی از میراث فرهنگی به نسل‌های دیگر می‌سپارند.

در سراسر ایران. شور و اخلاص فراوانی برای گرامیداشت نهضت عاشورا وجود دارد که هرکس به نوعی با این ابراز ارادت شورانگیز آشنایی دارد. نذری‌ها، سفره‌ها، عزاداری‌ها و... هر یک جلوه‌ای است که با اشعاری ساده و صمیمی همراه است. در این شعرها عنصر عاطفه و احساس نمود چشمگیرتری دارد و سراینندگان این اشعار شناخته‌شده نیستند و جای دریغ دارد که گفته شود تاکنون پژوهش جامعی درباره ادبیات عاشورایی در فرهنگ عامه به انجام نرسیده است.

در اشعار عامیانه غالباً از حضرت زینب علیها السلام با عناوینی همچون «بی‌بی زینب»، «عمه زینب»، «زینب خاتون»، «آبجی زینب» و... یاد شده است.

۱۳. تجلی حضرت زینب علیها السلام در سرودها، ترانه‌ها و...

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرودهایی حماسی درباره حضرت زینب علیها السلام ساخته شد. این سرودها در آغاز توسط آهنگسازان و گروه‌های آماتور و بعدها به تدریج آثاری با کیفیت حرفه‌ای‌تری ضبط و پخش گردید. همچنین به فاصله‌ای کوتاه ترانه‌هایی نیز که دارای فضای لطیف‌تری بودند در این باره تولید و عرضه شده است.

البته جای گلایه دارد که به رغم استقبال جامعه از چنین آثاری، متأسفانه به نظر می‌رسد در زمینه تولید آثاری در این باره کوتاهی فراوان و نابخشودنی صورت پذیرفته است که حکایت از عدم برنامه‌ریزی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با این امر مهم دارد.

از دیگر قالب‌هایی که در طی این سال‌ها در خلق آثاری درباره حضرت

زینب علیها السلام مورد استفاده قرار گرفته، «تواشیح» است که آثار خلق شده غالباً به زبان فارسی، عربی و یا آمیزه‌ای از اشعار فارسی و عربی بوده است. این آثار از آنجا که توسط گروه‌های مختلف اجرا شده است، همانند سرودها و ترانه‌ها به شکل پراکنده موجود می‌باشد و متأسفانه اهمیتی در جهت گردآوری و عرضه همه این آثار به صورت آلبوم مستقل و موضوعی به انجام نرسیده است. یکی دیگر از قالب‌های هنری در این باره همخوانی اشعار مربوط به حضرت زینب علیها السلام توسط گروه‌هایی بدون استفاده از ساز یا سازها می‌باشد. تأسیس واحد «نغمات آیینی» در سازمان صدا و سیما در توسعه این شیوه بسیار مؤثر بوده است و این واحد با دعوت از شاعران، موسیقیدانان و هنرمندان، آثاری را خلق کرده که در آن نواها و نغمه‌ها جای ساز را گرفته‌اند. آثار تولیدشده توسط این واحد غالباً در ایام مناسبت‌ها و بیشتر از طریق رادیو پخش می‌شود.

۱۴. تجلی حضرت زینب علیها السلام در ادبیات انقلاب و شعر پایداری

وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث شد دگرگونی‌های بسیاری در ادبیات معاصر خاصه شعر پدید آید. در واقع بینش انقلابی باعث گردید تا به نهضت کربلا تنها از زاویه حزن و اندوه نگریسته نشود، بلکه جنبه‌های حماسی این انقلاب کبیر، اثربخش و رهایی‌آفرین به گونه افزون‌تری مورد توجه متفکران، ادبا و شعرا قرار گیرد. به همین لحاظ شاعران انقلابی در آثار خود از حضرت زینب علیها السلام به عنوان بانویی که نماد راستین ایستادگی، ایثار، آگاهی و ستم‌ستیزی است، یاد کرده‌اند.

از میان اندیشه‌ورانی که در ارائه و اشاعه این تفکر نقش مؤثر و به‌سزایی

داشتند و دارای ذوق و قریحه شاعری نیز بودند، می‌توان از دکتر علی شریعتی یاد کرد که با آثار و سخنرانی‌های پُرشور و حماسی در این باره، به ویژه در میان نسل جوان و تحصیل کرده دارای محبوبیت و نفوذ فراوانی بود. دکتر شریعتی بر این باور بود که هر انقلابی دو چهره دارد: خون و پیام و آنان که در صحنه نبرد همواره حق و باطل حضور می‌یابند، باید یا حسینی باشند و یا زینبی، و گرنه یزیدی‌اند.

تسلط و احاطه ادبی دکتر شریعتی در کنار دانش دینی باعث می‌شد تا آثار و سخنرانی‌های وی دلپذیرتر و مؤثرتر باشد و خصوصاً بر اندیشه و آثار نسل جوان و نوجوی آن روزگار تأثیرات عمیق و غیرقابل انکاری به جای بگذارد.

متأسفانه از اشعار دکتر شریعتی، بخش اندکی به یادگار مانده که همین تعداد اندک نشانگر نبوغ و چیرگی ادبی اوست. در اینجا به یکی از اشعار او که دارای فضا و نگاهی کاملاً انقلابی به شخصیت حضرت زینب علیها السلام است، می‌پردازیم:

ای زن / که مردانگی در رکاب تو / جوانمردی آموخت / ای زبان علی در
 کام زاید رسالت حسین بر دوش / مگو که بر شما چه گذشت / مگو که در
 آن سرخ صحرا چه دیدی / آری زینب! / مگو که بر شما چه رفت / مگو
 که دشمنانتان چه کردند و دوستانتان چه / ما می‌دانیم / ما همه را شنیده‌ایم
 / آری ای پیامبر انقلاب حسین / اما بگو / ای خواهر! / بگو که ما چه کنیم؟
 / لحظه‌ای بنگر که ما چه می‌کشیم / این تو هستی که باید بر ما بگریی / ای
 رسول امین برادر / ای زینب! (کافی، ۱۳۸۲، ص ۵۴۴).

مجموعه شعر **اسلام و آبی تازه‌اش باید** که برای نخستین‌بار در سال ۱۳۵۴ چاپ و منتشر شد، بی‌شک نقطه عطفی در شعر آیینی با نگرش انقلابی است. این مجموعه شعر که به انتخاب اکبر وطن گردآوری شده بود، یک

سال بعد توسط نشر امیر به چاپ دوم رسید و در سال ۱۳۵۶ نیز دفتر دوم این مجموعه با عنوان **حماسه شهادت** به انتخاب محمد جعفری و با همکاری **جواد محاشی** چاپ و منتشر شد.

در فضای روشنفکری آن دوره، انتشار این مجموعه‌ها با محتوای مذهبی و انقلابی طلیعه روشن و امیدبخشی بود و این مجموعه‌ها با استقبال ادب‌دوستان، خاصه آنان که در جست‌وجوی فضا و حال و هوایی متفاوت بودند، قرار گرفت. بخشی از شعر بلند «اسیر آزادی‌بخش» از **جواد محاشی** در دفتر اول این مجموعه را مرور می‌کنیم:

ای دختر علی / ای خواهر حسین / ای زینب بزرگ / ای پیک انقلاب
شهیدان کربلا / از ما به تو درود / فراوان و بی‌شمار / در آن غروب سرخ
که گشتی اسیر ظلم / آزادی بشر ز جفاها نهفته بود / فریاد تو حماسه
جاوید کربلاست ... (وطن، ۱۳۵۴، ص ۲۷).

با مراجعه به گذشته و مروری بر اشعار دوره پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد شعرها و شعارهای بسیاری هستیم که در آنها شخصیت حضرت زینب علیها السلام به عنوان اسوه و الگوی زن مسلمان و همچنین اسوه و الگویی حاضر و ناظر برای تمام مسلمانان در پاسداری از خون شهیدان و ابلاغ پیام سرخ آنان به عصرها و نسل‌های بعد، سروده و ثبت شده است.

با وقوع جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق به سرزمین ما در پایان شهریورماه سال ۱۳۵۹ و شتافتن رزمندگان سلحشور به مرزها، کربلای دیگری در ایران پدیدار گشت که در این میدان، از همان لحظات آغازین، شعر قدم به میدان نهاد و روایت‌گر آن همه ایستادگی و ایثار و شهادت بود.

در این نبرد نابرابر که هشت سال به طول انجامید، اشعار و سرودهای فراوانی خلق شد که در بسیاری از آنها شاهد پیوند کربلای ایران با حماسه کربلای حسینی هستیم و شاعران متعهد با مقایسه و تطبیق این دو واقعه، به آفرینش مضامین زیبا و دل‌انگیزی پرداخته‌اند. در این عرصه نیز هرگاه سخن از رسالت ابلاغ پیام سرخ خون شهیدان و جانبازان و مظلومیت‌ها به میان آمده، نام مبارک حضرت زینب علیها السلام در شعرها حضور یافته است:

کیست این تن که سرش گلگون است؟ این که از گردن او، آه، پلاک افتاده
این چه داغی است که مرغان سحر می‌نالند؟ چه بلایی ست بر این پیکر پاک افتاده
یاد زینب علیها السلام کن و آن لحظه که گریان می‌گفت: بوی گل می‌دهد این تن که به خاک افتاده
(شرفشاهی، ۱۳۹۰، ص ۴۷)

مصایب حضرت زینب علیها السلام به عنوان بانویی داغ‌دیده که در واقعه کربلا بسیاری از نزدیکان دل‌بند خویش را در راه خدا داده است، بی‌شک دارای بار عظیم و پُرمفهومی است که می‌تواند برای آنان که عزیزی را از دست داده‌اند، آرام‌بخش بوده، التیامی باشد بر زخم‌هایی که نیاز به صبر و استقامت دارد.
در جریان جنگ تحمیلی بسیاری از بانوان کشور ما فرزندان و برادران خود را در راه دفاع از دین و میهن تقدیم کردند که شهادت جانسوز این عزیزان، برای بانوان ما تداعی‌کننده اندوه جانگداز بانوی بزرگ عاشورا بود.

۱-۱۴. راضیه رجایی

اینجاست آنجایی که دریا تشنه می‌ماند عاشق قنوت عشق را بی‌دست می‌خواند
با ما بگو ما خوب می‌فهمیم حرفت را درد تو را داغ برادر دیده می‌داند
(سهرابی‌نژاد، ۱۳۸۵، ج ۱۱۷، ص ۵۰)

ادبیات پایداری نیز از دیگر موضوعاتی است که به ویژه در پهنه جهان اسلام در طول بیش از سه دهه اخیر با حضور متعهدانه شاعران و آفرینش آثار ارزنده، جایگاه والایی یافته است که در این عرصه نیز شاعران با الهام از حماسه عاشورا مضامین دل‌انگیزی را پدید آورده‌اند که نام و حضور نورانی حضرت زینب علیها السلام در این آثار بر غنای آن افزوده است:

۲-۱۴. فاطمه راکعی

خواهرانه / زخم‌هایت را می‌شمارم / از شکیبایی‌ات بیشتر نیست / زینب
آواره فلسطین! / نام دیگر / چیست؟! (راکعی، ۱۳۸۲، ص ۳۸).

۱۵. تجلی حضرت زینب علیها السلام در شعر بانوان

یکی از رویدادهای مهم و قابل ذکر در عرصه شعر عاشورایی، ظهور بانوان شاعر در طول بیش از سه دهه اخیر می‌باشد که بی‌شک جریانی ارزشمند و امیدآفرین است.

نگاه بانوان شاعر، نگاهی خاص و متفاوت است که دریچه تازه‌ای را به روی مخاطبان و علاقه‌مندان شعر عاشورایی می‌گشاید و امکان درک و تماشای این حماسه شکوهمند را از زوایای دیگری امکان‌پذیر می‌سازد.

بانوان شاعر، گاه از منظر همسر، گاه از منظر مادر، گاه از منظر خواهر، گاه از منظر عمه و گاه از مناظر دیگری با نگاهی زنانه و سرشار از لطافت و احساس خاصی که در بانوان وجود دارد، به روایت ماجرا برمی‌خیزند و این روایت آنچنان عمیق و دلنشین است که مخاطب را مجذوب می‌سازد و از آنجا که از دل برخاسته است، لاجرم بر دل می‌نشیند.

در حال حاضر شمار بانوان شاعر پارسی‌گوی، بسیار چشمگیر و شگفت‌آور است و به لحاظ سطح کیفی آثار می‌توان گفت آثار ارزنده‌ای توسط آنان خلق شده است که بسیار نویدبخش و دلگرم‌کننده است. چنان‌که انتظار می‌رود، سیمای حضرت زینب علیها السلام در آثار بانوان شاعر تجلی‌پُرشور و فزاینده‌ای داشته که در این مجال به ذکر چند نمونه از آن اکتفا خواهیم کرد.

۱۵-۱. سپیده کاشانی

شکفتی ای گل صبر و شکیب دامن زهرا علیها السلام
تو زینبی و چو نام تو نیست نادره نامی

(شاهرخی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۹)

۱۵-۲. سیمیندخت وحیدی

گر ز حُسن بی‌شمار و درد بی‌اندازه‌اش پرده برگیریم زهرای مکرر زینب است
(همان، ص ۳۳۵)

۱۵-۳. شیما تقیانپور

اینک منم ای حسین علیها السلام این، تنها زن مرد تاریخ تنها کسی که به دو شش، نعش غریبی ست بی‌سر
(گلمرادی، ۱۳۷۸، ص ۵۰)

۱۵-۴. اعظم حسینی

لیلای صبر، و اله و مجنون زینب است عالم پُر از خطابه محزون زینب است
(فروغی چهارمی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹)

۱۵-۵. سیده فاطمه موسوی

تندیس صبر، بانوی ایمان، مقام درد یا تیغ حیدر است به صحبت درآمده
(همان، ص ۲۸۴)

۱۵-۶. جمیله سادات کراماتی

صحرا، سکوت، همهمه و غم صحرا و گریه‌های دمام
در خیمه‌های آتش و اندوه، بانوی صبر، صبر مجسم
(همان، ص ۲۹۸)

۱۵-۷. محبوبه بزم‌آرا

زینب شهید اشک، کنار سر حسین گرد و غبار از رخ خورشید می‌زدود
(همان، ص ۲۹۹)

۱۵-۸. نوشین نامداری

این بی‌نهایت، این روایت تا ابد جاری است یعنی که زینب سوخت داغ شش چکاوک دید
(همان، ص ۳۱۶)

۱۵-۹. طاهره صفارزاده

سالار صبر / بی‌عون / بی‌محمد / بی‌شکوه از شهادت فرزندان / مغموم
واقعه نزدیک / در سرآوری خیمه‌ها / محافظ است و پرستار (رجایی،
۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۴).

۱۵-۱۰. زهرا بیدکی

زینب بیار آب گلوی حسین را پر کن ز شور اشک گلوی حسین را
(بیدکی، ۱۳۹۱، ص ۱۱)

۱۵-۱۱. پروانه نجاتی

دلم گرفته کجایی برادر زینب که غرق نور کنی باغ پرپر زینب
(کافی، ۱۳۸۲، ص ۷۰۴)

۱۵-۱۲. زهره اخوان طاهری بروجنی

... بی‌بی، جان رقیه، جان مولا شب ما را به الطافت سحر کن
(اخوان طاهری بروجنی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱)

۱۵-۱۳. نیره‌السادات هاشمی

چراغ صاعقه را دیشب خدا به نام تو روشن کرد
زبان گرفت: به رعدی سرخ، سلام خواهر عاشورا!
(هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۲۰)

۱۶. تجلی حضرت زینب علیها السلام در شعر عاشورایی کودک و نوجوان

شعر عاشورایی کودک و نوجوان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قدم به عرصه وجود نهاد و در طی سه دهه اخیر، رشد و جهش چشمگیری داشته است.

خصوصیات این قالب، زبان ساده، سلیس و روان و استفاده از واژه‌های قابل فهم برای کودکان و نوجوانان و همچنین شیوه بیان مفاهیم و موضوعات به شکل صمیمانه و قابل درک برای سنین مذکور است.

این قالب که از سوی کودکان و نوجوانان و خانواده‌های آنان مورد استقبال گسترده‌ای واقع شده است، در قلمرو انتقال مفاهیم مذهبی نیز نقش برجسته‌ای ایفا می‌نماید. شاعران این حوزه کوشیده‌اند با اشعار زیبا و دلپذیر خود، کودکان

را با مسائل و موضوعات دینی آشنا سازند و از این رهگذر، ریشه‌های عشق و علاقه عمیق به پیشوایان دینی را در دل و جان آنها بنشانند و از ظرفیت‌های ادبیات در این عرصه استفاده نمایند. شعر عاشورایی کودک و نوجوان در طی سه دهه اخیر با آفرینش آثار قابل ملاحظه‌ای به مرتبه ارزنده‌ای نایل گشته که حکایت از آینده روشن و امیدبخش آن دارد.

در حال حاضر اشعار زیبایی در قلمرو شعر عاشورایی برای کودکان و نوجوانان خلق شده که بخش قابل ملاحظه‌ای از این اشعار درباره شخصیت و حضور حضرت زینب[ؓ] در صحنه واقعه عاشوراست. همچنین برخی از شاعران کودک و نوجوان با سرودن آثار متعددی در این زمینه، به انتشار مجموعه شعرهای مستقل در این باره اقدام نموده‌اند که مورد رویکرد وسیعی واقع شده است. در این مجال به ذکر نمونه‌هایی از تجلی حضرت زینب[ؓ] در شعر عاشورایی کودک و نوجوان اکتفا خواهیم کرد.

۱-۱۶. حمید هنرجو

گرچه آتش گرفته بود زمین
بوی خوب بهشت می‌آمد

دل دشمن ولی پر از شب بود
چون که وقت نماز زینب بود

(هنرجو، ۱۳۸۵، ص ۸)

۲-۱۶. علی اصغر نصرتی

... با اوست قلبی که شکسته
چشمی که در ماتم نشسته
آینه تصویر درد است

(نصرتی، ۱۳۸۲، ص ۲۵)

۱۶-۳. مجید ملامحمدی

میان خیمه بوی گریه پیچید
کسی آیا صدای العطش را

دوباره قلب پاک «عمه» لرزید
کنار رود ناآرام نشنید؟

(نیک‌طلب، ۱۳۷۸، ص ۵۳)

۱۶-۴. مصطفی رحماندوست

کجایی عمه‌جان زینب
لالالال گل لاله

سکینه دخترم، لالا
نکن گریه، نکن ناله

(همان، ص ۵۹)

**۱۷. تجلی حضرت زینب علیها السلام در شعر عاشورایی شاعران پارسی‌زبان
ملل دیگر**

هنگامی که سخن از شعر و ادبیات فارسی به میان می‌آید، نباید مقصود از این مفهوم را فقط به شاعران و ادبایی که در داخل مرزهای جغرافیایی ایران زندگی می‌کنند، محدود کرد. زبان و ادبیات فارسی دارای گستره بسیار پهناوری است و همواره شاعران بسیاری در دیگر ملل جهان از این زبان برای بیان اندیشه‌ها و عواطف خویش بهره جسته‌اند. جلوه دیگری از حضور حماسی و شکوهمند حضرت زینب علیها السلام را می‌توان در آثار این سخنوران به نظاره نشست که در اینجا مروری گذرا بر آثار برخی از شاعران نامدار سرزمین افغانستان خواهیم داشت:

۱۷-۱. سعادت ملوک تابش

ز اسیریم همه عارفان، شده مبتلای حسد، جنون
که به دام او نفتاده‌ام به هوای بردن دانه‌ای
(شاهرخی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۷)

۱۷-۲. محمد شریف سعیدی

تا نشیند عطش معرکه، اینک زینب علیها السلام کوه ابری ست که می بارد باران در باد
(گلمرادی، ۱۳۷۸، ص ۸۹)

۱۷-۳. سیدفضل الله قدسی

اینک تو ایستاده و رخس برادرت با زین واژگون، در افق، همچنان یله
(طاهریان، ۱۳۸۳، ص ۲۵)

۱۷-۴. سیدضیاء قاسمی

ای کاش خدا هزار دل می دادم تا وقف دل شکسته‌ات می کردم
(همان، ص ۳۶)

نتیجه

شخصیت بزرگ و الهی حضرت زینب کبری علیها السلام اگرچه از دیرباز تاکنون همواره مورد توجه علما و محققان نامدار قرار گرفته و کتاب‌ها و مقالات بسیاری در این باره به رشته تحریر درآمده است؛ ولی درباره تجلی سیمای شکوهمند آن بانوی گرانمایه در آئینه شعر و ادب، ناگفته‌ها بسیار مانده و تأثیر آن حضرت بر شعر و شاعران، سرشار از زیباترین و دل‌انگیزترین جلوه‌های ادبی است. به شهادت تاریخ، حضرت زینب علیها السلام در شمار فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین مردمان روزگار خویش بوده‌اند که این نکته از خطبه‌های شورانگیز و اشعار منسوب به ایشان و نزدیکانشان کاملاً قابل لمس است. در واقع آن بانوی بزرگوار همانند دیگر اعضای خاندان پاک وحی، لسان شعر و ادب را بهترین زبان و وسیله برای بیان اندیشه‌ها و ابلاغ پیام ارجمند خویش به شمار می‌آورده‌اند.

شعرهایی که درباره شخصیت و مرتبه ارجمند عالمه آل طاهها سروده شده است، دارای مضامین و موضوعات متعددی می‌باشد که در این میان حجم شعرهای عاشورایی بسیار چشمگیرتر است و از زمان وقوع این نهضت سرخ و جاودانه تاکنون تداوم داشته است و با مرور زمان نه تنها از رویکرد شاعران به این مهم کاسته نشده، بلکه به رغم همه فشارها، تهدیدها و دشواری‌ها، روز به روز بر دامنه این ابراز ارادت خالصانه در تکریم و تعظیم مقام و منزلت آن بانوی یگانه افزوده شده است و برخی از سخنوران در سروده‌های متعددی کوشیده‌اند تا به سهم خویش و در حد بضاعتشان در این قلمرو، ادای دینی به ساحت نورانی عقلیه بنی‌هاشم داشته باشند و از این رهگذر، پیام سرخ آن حضرت را منتشر کنند. تجلی حضرت زینب علیها السلام در شعر عاشورایی معاصر در چند دهه اخیر با جهش و استقبال شگفت و شگرفی روبه‌رو شده است و به لحاظ کمی و کیفی بسیار امیدوارکننده و نشانگر درک افزون‌تر شاعران نسبت به این مهم است.

منابع

۱. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی؛ **الفتوح**؛ ترجمه محمد بن احمد مستوفی و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد؛ چ ۱، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۲. ابن نماحلی، محمد بن جعفر؛ **مثير الأحزان**؛ النجف الاشرف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۶۹.
۳. ابو مخنف، لوط بن یحیی؛ **مقتل الحسین**؛ تحقیق حسین غفاری؛ قم، ۱۳۹۸ ق.
۴. اخوان طاهری بروجنی، زهره؛ **پشت این فاصله‌ها**؛ چ ۱، فرخ شهر: نشر جهان بین، ۱۳۷۷.
۵. اسرافیلی، حسین؛ **تولد در میدان**؛ چ ۱، تهران: حوزه هنری، ۱۳۶۴.
۶. اسماعیلی، رضا؛ **رستاخیز حماسه**؛ تهران: سازمان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶.
۷. —؛ **ناگهان دریا**؛ چ ۱، تهران: انتشارات تجلی مهر، ۱۳۹۰.
۸. اشراق آصفی، محمد؛ **دیوان اشراق آصفی**؛ زیر نظر ذبیح‌الله صفا؛ چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۹. اکبرزاده، محمود؛ **حسین پیشوای انسان‌ها**؛ مشهد: کتابفروشی جعفری، ۱۳۴۲.

۱۰. الامین، سیدمحسن؛ **اعیان الشيعة**؛ چ ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۱۱. امینی، عبدالحسین؛ **الغدير في الكتاب والسنة والأدب**؛ قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۶ق.
۱۲. انزابی نژاد، رضا و منصور ثروت؛ **فرهنگ معاصر**؛ چ ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۱۳. آیینه‌وند، صادق؛ **ادبیات انقلاب در شیعه**؛ چ ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
۱۴. بختیاری، مریم؛ **با کاروان شعر عاشورا**؛ چ ۱، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۲.
۱۵. براتی‌پور، عباس؛ **آینه و ماه**؛ چ ۱، تهران: انتشارات تجلی مهر، ۱۳۹۰.
۱۶. بنت‌الشاطی، عایشه؛ **زینب بانوی قهرمان کربلا (بطلة کربلا)**؛ ترجمه حبیب چایچیان و مهدی آیت‌الله‌زاده نایینی؛ چ ۱۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۱۷. بهداروند، محمد مهدی؛ **عقیله بنی‌هاشم**؛ چ ۱، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۴.
۱۸. بیدکی، زهرا؛ **سوختن در باران**؛ چ ۱، تهران: هنر و رسانه اردیبهشت، ۱۳۹۱.
۱۹. بیضایی، بهرام؛ **نمایش در ایران**؛ چ ۵، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
۲۰. جعفری، محمد؛ **حماسه شهادت**؛ چ ۱، تهران: نشر امیر، ۱۳۵۶.
۲۱. جلوداریان، سارا؛ **فی‌زار گواه است**؛ چ ۱، تهران: نشر آرام دل، ۱۳۸۷.
۲۲. جنتی عطایی، ابوالقاسم؛ **بنیاد نمایش در ایران**؛ چ ۲، تهران: نشر صفی‌علیشاه، ۱۳۵۶.

۲۳. جیرودی، کاظم؛ **جاری در نور**؛ چ ۱، تهران: نشر مدبران، ۱۳۸۹.
۲۴. چکلو و سکی، پیترو. جی؛ **تعزیه** (آیین و نمایش در ایران)؛ چ ۱، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۲۵. حسینی، سیدحسن؛ **گنجشک و جبرئیل**؛ چ ۱، تهران: نشر افق، ۱۳۷۱.
۲۶. حکیمی، محمدرضا؛ **ادبیات و تعهد در اسلام**؛ چ ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۷. ده‌بزرگی، احد؛ **رباعیات عاشورایی**؛ چ ۱، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۲.
۲۸. ———؛ **طوفان خطبه‌ها**؛ چ ۱، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹.
۲۹. راکعی، فاطمه؛ **مادرانه‌ها**؛ تهران: چ ۱، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۲.
۳۰. رجایی، راضیه؛ **گزیده ادبیات معاصر**؛ ج ۱۱۷، چ ۱، تهران: نشر نیستان، ۱۳۸۰.
۳۱. رجایی زفره‌ای، محمدحسین؛ **دفتر تعزیه**؛ ج ۶، چ ۱، تهران: انتشارات نمایش، ۱۳۸۱.
۳۲. رسولزاده، جعفر؛ **نماز شام غریبان**؛ چ ۱، قم: نشر رواق اندیشه، ۱۳۷۷.
۳۳. رضایی آدریانی، منصور؛ **آئینه محرم**؛ چ ۱، اصفهان: نشر فرهنگ مردم، ۱۳۸۱.
۳۴. رفعت سمنانی، محمدصادق؛ **دیوان رفعت سمنانی**؛ تصحیح نصرت‌الله نوح؛ چ ۱، انتشارات بامداد، ۱۳۶۳.
۳۵. سازگار، غلامرضا؛ **یک ماه خون‌گرفته**؛ ج ۴، چ ۱، تهران: دفتر هنر و ادبیات هلال، ۱۳۸۹.
۳۶. سپهر، محمدتقی؛ **ناسخ التواریخ**؛ قم: نشر اسلامیه، [بی‌تا].

۳۷. سپیدنامه، بهروز؛ **عقیق و ارغوان**؛ چ ۱، تهران: نشر آرام دل، ۱۳۹۰.
۳۸. سنائی غزنوی، مجدودبن آدم؛ **حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة**؛ تصحیح محمدتقی مدرس رضوی؛ چ ۷، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۳۹. سهرابی نژاد، محمدرضا؛ **گزیده ادبیات معاصر**؛ چ ۲۲، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
۴۰. شاهرخی، محمود و مشفق کاشانی؛ **آیینہ صبر**؛ چ ۱، تهران: نشر اسوه، ۱۳۷۲.
۴۱. شُبر، جواد؛ **ادب الطف او شعراء الحسین**؛ بیروت: مؤسسة التاریخ، ۱۴۲۲ق.
۴۲. شرفشاهی، کامران؛ **حماسه جاودان**؛ چ ۱، تهران: نشر مديا، ۱۳۸۱.
۴۳. ———؛ **راز سرافرازی**؛ چ ۱، تهران: انتشارات تجلی مهر، ۱۳۹۰.
۴۴. شفیعی، سیدضیاءالدین؛ **شرح خواب‌های گمشده**؛ چ ۱، تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۷.
۴۵. شکارسری، حمیدرضا؛ **باز جمعه‌ای گذشت**؛ چ ۱، تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۵.
۴۶. شیخ مفید؛ محمدبن محمد نعمان؛ **الارشاد**؛ ترجمه محمدباقر ساعدی، چ ۶، قم: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۵.
۴۷. صادقی اردستانی، احمد؛ **زینب قهرمان، دختر علی**؛ چ ۱، تهران: نشر مطهر، ۱۳۷۲.
۴۸. صاعدی، عبدالعظیم؛ **نیزه بر پلک پروانه‌ها**؛ چ ۱، تهران: انتشارات تجلی مهر، ۱۳۹۱.

۴۹. صالحی راد، حسن؛ **مجالس تعزیه**؛ ج ۱، چ ۱، تهران: سروش، ۱۳۸۰.
۵۰. صامت بروجردی، آقامحمدباقر؛ **دیوان صامت**؛ چ ۱، تهران: نشر اسلامی، [بی تا].
۵۱. صفارزاده، طاهره؛ **گزیده ادبیات معاصر**؛ ج ۱، چ ۱، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
۵۲. ضیائی، جهانگیرخان محبی؛ **کلیات ضیائی**؛ چ ۲، تهران: شرکت نبی اقبال و شرکا، ۱۳۴۶.
۵۳. طاهریان، امیرمسعود؛ **بانوی صبر**؛ چ ۲، مشهد: انتشارات به نشر، ۱۳۸۳.
۵۴. طبرسی، احمدبن علی؛ **الاحتجاج**؛ تحقیق سیدمحمدباقر موسوی خراسان؛ النجف الاشرف: دارالنعمان، ۱۳۸۶.
۵۵. عابد نهاوندی، علی؛ **راهیان کربلا**؛ چ ۶، تهران: نشر جلوه، ۱۳۷۹.
۵۶. عاملی، امیر؛ **یک کاروان تبسم، یک آسمان بهار**؛ چ ۱، قزوین: نشر سایه گستر، ۱۳۸۸.
۵۷. عبدالرحیم، محمد؛ **دیوان امام حسین**؛ ترجمه امیرهوشنگ دانایی؛ چ ۱، تهران: نشر موعود، ۱۳۸۱.
۵۸. عبداللهی، رضا؛ **گریه کن ای ابر**؛ چ ۱، تهران: انتشارات تجلی مهر، ۱۳۹۱.
۵۹. عبدالمجید، معروف؛ **احجار لمن تهفوا**؛ [بی نا]؛ [بی جا]، ۱۳۷۶.
۶۰. عزیزی، منوچهر؛ **حیرت عشق**؛ چ ۱، اصفهان: نشر منا، ۱۳۸۴.
۶۱. عسیلی، سعید؛ **کربلا، ملحمه ادبیه تاریخیة اسلامیة تناول سیرة سیدالشهداء الإمام الحسین**؛ بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۶ق.
۶۲. عمان سامانی، میرزا نورالله؛ **گنجینه الاسرار**؛ چ ۱، تهران: نشر عمان سامانی، ۱۳۷۲.

۶۳. عناصری، جابر؛ **نمایش و نیایش در ایران**؛ چ ۱، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
۶۴. غفورزاده شفق، محمدجواد؛ **قصه عشق**؛ چ ۱، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۵.
۶۵. فتحعلی بیگی، داوود؛ **دفتر تعزیه (جنگ حضرت زینب علیها السلام)**؛ ج ۷، چ ۱، تهران: نمایش، ۱۳۸۲.
۶۶. فرحبخش، حسن و ژولیده نیشابوری؛ **مقتل الحسین علیه السلام**؛ چ ۱، تهران: نشر اسلام، ۱۳۸۹.
۶۷. فروغی جهرمی، محمدقاسم؛ **نی نامه خورشید**؛ چ ۲، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۵.
۶۸. قمی، شیخ عباس؛ **نفس المهموم**؛ ترجمه ابوالحسن شعرانی؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
۶۹. کافی، غلامرضا؛ **شرح منظومه ظهر**؛ چ ۱، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۶.
۷۰. کرمی، حمید؛ **در رکاب آفتاب**؛ چ ۱، تهران: انتشارات تجلی مهر، ۱۳۹۰.
۷۱. کسای مروز، مجدالدین اسحاق؛ **گزیده اشعار کسای**؛ به انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار؛ تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰.
۷۲. گل محمدی، حسن؛ **عاشورا و شعر فارسی**؛ چ ۱، تهران: نشر شمس، ۱۳۶۶.
۷۳. گلمرادی، شیرینعلی؛ **آینه در کربلاست**؛ چ ۱، تهران: انتشارات اهل قلم، ۱۳۷۸.
۷۴. لطیفیان، علی اکبر؛ **غزل مرثیه**؛ چ ۲، تهران: نشر آرام دل، ۱۳۸۶.

۷۵. مجاهدی، محمدعلی؛ **بال سرخ قنوت**؛ ج ۱، تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۶.
۷۶. مجلسی، محمدباقر؛ **بحار الأنوار**؛ ترجمه محمدجواد نجفی؛ ج ۱۰، چ ۴، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۸۷.
۷۷. محدثی، جواد؛ **فرهنگ عاشورا**؛ چ ۹، قم: نشر معروف، ۱۳۸۵.
۷۸. محلاتی، ذبیح‌الله؛ **ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۷۹. محمدزاده، مرضیه؛ **دانشنامه شعر عاشورایی**؛ چ ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۸۰. مدرس اصفهانی، یحیی؛ **دیوان یحیی در مدایح و مصائب حضرت ختمی مرتبت و ائمه اطهار**؛ تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۹۷.
۸۱. مردانی، محمدعلی؛ **دو دریا**؛ چ ۱، تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۱.
۸۲. مردانی، نصرالله؛ **چهارده نور ازلی**؛ چ ۱، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۱.
۸۳. مستشار نظامی، نغمه؛ **هزار و چهارصد و بیست سال بعد از تو**؛ چ ۱، تهران: نشر آرام دل، ۱۳۸۶.
۸۴. مشکوة تبریزی (مشکوة السلطان)، علی اکبر بن داود؛ **یاقوت احمر**؛ مشتمل بر شرح و ترجمه اراجیز یاران حسین تشنه جگر؛ قم: انتشارات علامه، ۱۳۵۳.
۸۵. معین، محمد؛ **فرهنگ فارسی معین**؛ چ ۵، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۸۶. موسوی زنجانی، سیدابراهیم؛ **وسيلة الدارین فی أنصارالحسین**؛ بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.
۸۷. نصرتی، علی اصغر؛ **فصل شکوفه**؛ تهران: کتاب نیستان، ۱۳۸۲.
۸۸. نصیراوی، ابراهیم علوان؛ **حدیث کربلا**، چ ۱، قم: نشر مهر، ۱۳۸۱.

۸۹. نیک طلب، بابک؛ **پنجره‌های آسمان**؛ چ ۲، تهران: نشر افق، ۱۳۷۸.
۹۰. هاشمی، نیره‌السادات؛ **تندیس باران**؛ چ ۱، تهران: نشر نیستان، ۱۳۸۱.
۹۱. هراتی، سلمان؛ **دری به خانه خورشید**؛ چ ۱، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
۹۲. همای شیرازی، محمدعلی؛ **دیوان همای شیرازی**؛ به کوشش احمد کرمی؛ چ ۱، تهران: سلسله نشریات «ما»، ۱۳۶۳.
۹۳. همای شیرازی، محمدنصیر طرب‌بن‌هما؛ **دیوان طرب**؛ با مقدمه و حواشی جلال‌الدین همایی؛ تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۲.
۹۴. هنرجو، حمید؛ **آتش گرفته بود زمین**؛ چ ۱، مشهد: نشر سخن‌گستر، ۱۳۸۵.
۹۵. وصال شیرازی، محمدشفیع؛ **دیوان وصال شیرازی در مراثی اهل بیت عصمت و طهارت**؛ شیراز: چاپخانه موسوی، [بی تا].
۹۶. وطن، اکبر؛ **اسلام و آبی تازه‌اش باید**؛ چ ۱، تهران: نشر امیر، ۱۳۵۴.
۹۷. یاسری، محمدرضا؛ **شعر عتوت**؛ چ ۲، تهران: نشر سوره مهر، ۱۳۸۹.
۹۸. یثربی، سیدیحیی؛ **گلاب اشک**؛ چ ۱، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۰.